

بسمه تعالیٰ

معرفی، فعالیت‌ها و چشم‌انداز

هیئت‌اندیشه ورز اقتصاد و الگوی اسلامی پیشرفت

حوزه علمیه خراسان

آذر ماه ۱۳۹۷

مشهد، چهارراه خسروی،
کوچه شوکت‌الدolle، کوچه پنجه،
مدرسه علمیه سلیمانیه
تلفن: ۰۵۱۳۲۳۰۰۷۰ داخلي
ایمیل: eghetesadhozeh@gmail.com

 @eghtesadhozehkh



وزارت ارشاد

هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد

والگوی پیشرفت اسلامی

تهییه و تنظیم:

هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت اسلامی

طراحی و صفحه‌آرایی:

مصطفی محمدآبادی

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول: ضرورت‌ها و اهداف پرداختن به اقتصاد در حوزه‌های علمیه

بخش دوم: مروری بر فعالیت‌ها

بخش سوم: دورنمایی از طرح‌ها و برنامه‌های پیش رو

بخش چهارم: معرفی اجمالی دوره‌های آموزشی

بخش پنجم: سؤالات متداول

بخش ششم: گزارشی از سلسله نشست‌های اقتصادنا

"به امید روزی که جوانان ما با شجاعت چارچوب‌های ظالمانه کنونی جهان را در هم شکسته و قالب‌هایی بر مبنای کرامت انسانی را پایه گذاری نمایند."

«امام خمینی (ره)»

"این که بنده دربارهٔ علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم -هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان- به حاطر همین است. این علوم انسانی ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رایج شد، مدیران بر اساس آن‌ها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتونه هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آن‌ها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه سازی های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتونه اش علمای دین و علمای صاحب نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه گاه اوست."

«مقام معظم رهبری» (دیدار با طلاب، فضلا، و استادی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

با سمه تعالی شأنه

مقدمه

یکی از پیام‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران به رهبری مجدد اسلام ناب محمدی امام خمینی (ره) معرفی اسلام به عنوان دین و مکتبی بود که در همه ابعاد فردی و اجتماعی برای انسان برنامه داشته و او را به سرمقصد سعادت رهنمون می‌گردد. این نگرش بنیادین که در تعبیر امام راحل(ره) از فقه به عنوان «تئوری اداره انسان» و جامعه نیز به خوبی منعکس شده است، دوره‌ای جدید در سیر تحول فقه شیعه را رقم می‌زند که هنوز در آغاز آنیم.

ضرورت پرداختن به دانش اقتصاد در متن حوزه که به تفصیل در بخش آتی بدان پرداخته خواهد شد مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان را بر آن داشت تا با تأسیس «هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت اسلامی» در شهریورماه ۱۳۹۶ به این آرمان جامه تحقق پیوшуند. این هیئت وظیفه دارد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درون‌حوزوی و بروون‌حوزوی به پیشبرد مقاصد فقه اقتصاد و اقتصاد اسلامی با ورود به ساحت‌های پژوهش، آموزش و ترویج یاری رساند.

هیئت اندیشه‌ورز - فراتر از یک گروه پژوهشی یا مجموعه‌ای آموزشی - به مثابه پیشرانه و مغزا فزاری دیده شده است که در عین راه‌اندازی مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی و تحولی در عرصه مشترک فقه و اقتصاد، با طراحی برنامه‌های آموزشی و تشکیل گروه‌های پژوهشی و رسانه‌ای، بدون ورود مستقیم به مقوله اجرا، همچنان قدرت و چالاکی مورد نیاز برای اندیشیدن، برنامه‌ریزی و هدایت علمی را داشته باشد. هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت حوزه علمیه خراسان با پشتونه تخصصی اقتصاد و دانش حوزوی، و با اشرافی که به تجارب علمی مراکز فعال سطح کشور در اقتصاد اسلامی دارد، امیدوار است که بتواند حرکت علمی متفاوتی در سال‌های آتی صورت داده و به فضل الهی به نشاط بیشتر آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی در کشور کمک کند.

اعضای هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت اسلامی حوزه علمیه خراسان:

دکتر سید احمد عاملی

دانش آموخته مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد مقدس، دکتری اقتصاد از دانشگاه امام صادق (ع) و هیئت علمی
دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی

حجت الاسلام علی نعمتی

دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشگاه امام صادق (ع)، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

بخش اول:

ضرورت‌ها و اهداف پرداختن به اقتصاد در حوزه‌های علمیه

۱) شرط لازم برای تشکیل دولت اسلامی و پیشروی در فرآیند تحقق اهداف انقلاب

مقام معظم رهبری در یکی از بیانات راهبردی خود (مهرماه ۱۳۹۰) تحت عنوان فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی، گام‌های پس از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی را به ترتیب تشکیل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی قلمداد می‌کنند و بیان می‌فرمایند که ما در مرحله تشکیل دولت اسلامی هستیم. پر واضح است که یکی از ارکان تحقق دولت اسلامی، تئوری پردازی، طراحی و تدوین قوانین، سازوکارها و نهادهای حکومتی است که برخاسته از نظریه اجتماعی اسلام در جنبه‌های مختلف (اعم از اقتصاد، سیاست خارجی، قضاء، آموزش و پژوهش و ...) باشد. این مسئله ایجاب می‌کند برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی، تلاشی جدی برای تحقیق و پژوهش در علوم انسانی اسلامی صورت پذیرد. افرون بر این طراحی دو گفتمان دیگر توسط مقام معظم رهبری طی سالیان اخیر را نیز می‌توان در راستای این هدف قلمداد کرد:

الف) گفتمان اقتصاد مقاومتی: اختصاص نام‌ها و شعارهایی با مضامین اقتصادی و بویژه اقتصاد مقاومتی برای هر یک از سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری به خوبی حاکی از مطالبه جدی نظام اسلامی نسبت به کار فکری و نظریه پردازی اسلامی در این بعد دارد. لذا در میان رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی، اقتصاد از بیشترین اولویت برای آموزش و پژوهش قرار دارد. ورود حوزه به این عرصه می‌تواند حوزه را به جایگاه و شأن اصلی آن که همانا نظریه پردازی، تقنین و سیاست گذاری برای حکومت اسلامی است نزدیک گردد.

ب) گفتمان الگوی اسلامی پیشرفت: این که این الگو - که بالطبع دارای وصف اسلامیت است - توسط کسانی که فاقد قدرت اجتهاد در دین و شریعتند قابل حصول و استخراج باشد تصوری از بنیان باطل است. لذا اقدامات مقطعی و سطحی همچون راه اندازی همایش‌ها و جشنواره‌ها و تأسیس نهادهایی خارج از حوزه‌های علمیه برای تحول در علوم انسانی - که منابع مالی قابل ملاحظه‌ای نیز برای آنها صرف می‌شود - نمی‌تواند محصول اصیل و عمیقی آفریده و تحول بنیادین مورد انتظار را به ارمغان آورد. تنها مرجع ذیصلاح برای این امر حوزه‌های علمیه هستند منوط به اینکه حوزه، علوم انسانی دانشگاهی را در دل خود هضم کرده و نافع و ضار آن را جذب و دفع کند. لذا تنها راه نیل به الگوی اسلامی پیشرفت و ابعاد گوناگون تمدن نوین اسلامی، سرمایه گذاری بلندمدت حوزه در تربیت نیروهایی با استعداد تحصیلی و معنوی بالاست که به طور تلفیقی در دو رشته علوم حوزوی (فقه) و یکی از تخصص‌های علوم انسانی آموزش دیده باشند.

۲) خط مقدم جهاد علمی حوزه‌ها: فقه حکومتی و فقه نظام

اگر چند دهه پیش پرداختن به فلسفه (در مقایسه با فقه)، ضرورت زمان حوزه‌های علمیه برای دفاع از مرزهای مذهب محسوب شده و بسیاری از فضایی حوزه را به خود جذب می‌کرد، امروزه مجددًا خط مقدم و خاکریز جهاد علمی حوزه‌های علمی شیعه در دفاع از مذهب را باید تحقیق و پژوهش در فقه دانست، اما نه فقه قدیم، بلکه فقه نظمات

اجتماعی (اقتصاد، سیاست، قضایا، تعلیم و تربیت، رسانه و ...) که ضرورت اداره جامعه اسلامی است. این همان تعبیر امام راحل (رضوان الله تعالیٰ علیه) یعنی فقه تئوری اداره انسان است. هم اکنون طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های علمی و پژوهشی در حوزه علمیه و مؤسسات پیرامونی آن در این راستا در حال انجام است، لیکن متأسفانه به علت ضعف‌های روش‌شناسخی آنها، شاهد ثمرات قابل توجهی برای این مجموعه‌ها نبوده ایم. برخی از این فعالیت‌ها را می‌توان اجمالاً به این نحو جریان شناسی و آسیب شناسی کرد:

- طیف‌هایی که معتقدند الگوهای اجتماعی و فقه نظمات اجتماعی را باید صرفاً از دل آیات و روایات استخراج و استنباط کرد و هرگونه استفاده از علوم غربی در این مسیر، باعث انحراف از آموزه‌های اصیل اهل بیت (علیهم السلام) خواهد گردید.
- جریان‌های معتدل تری که معتقدند باید موضوعات را از دانشگاه و علوم غربی گرفت و فقیه صرفاً وظیفه استنباط حکم را دارد. مبنای این جریان را می‌توان نظریه «همنشینی کارشناس و فقیه» نامگذاری نمود. یک دلیل برای ورود مستقل حوزه به عرصه علوم انسانی، شکست تجربه بیش از سی ساله «نظریه همنشینی فقیه و کارشناس» است. بسیاری بر این باور بوده و هنوز نیز هستند که فقیه نیازی به وارد شدن به موضوعات گوناگون اجتماعی نداشته و در مشاوره و مباحثه با کارشناسان متعدد می‌تواند به فهم صحیحی از موضوعات گوناگون اجتماعی دست یافته و حکم آنها را استنباط کند. اما دانشگاهیان و نیز حوزویانی که دستی در یکی از رشته‌های علوم اجتماعی دارند به خوبی تأیید می‌کنند که هر یک از این دانش‌ها - بویژه اقتصاد - آن قدر گسترده و پیچیده است که انتقال مفاهیم و مسائل آنها در این قالب امکان‌پذیر نیست؛ و چاره‌ای نیست از این که معلومات هر دو حوزه (اسلامی و دانشگاهی) در ذهن یک محقق و اندیشمند جمع شود.
- نتیجه جریانات مزبور این است که هر یک از طرفین حوزوی و دانشگاهی یکدیگر را متهم به بی‌سودایی و عدم اطلاع از ساحت تخصصی رقیب خود می‌کنند.

۳) ریشه «ارتجاع به غرب» روش‌نگران دینی و دین‌گریزی مردم

با مرور آثار و مکتوبات جریان روش‌نگرانی پس از انقلاب - شخصیت‌هایی که سابقه اسلام حداقلی و انقلابی را در کارنامه خود دارند - شواهد متعددی به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد یکی از علل اصلی دست برداشتن روش‌نگران از اسلام ناب و ارجاع ایشان به اسلام حداقلی متلازم با حکومت‌های طاغوت و طرح قرائت‌های مختلف و محدود ساختن دین به معنویت فردی، همانا ناکامی‌های انقلاب اسلامی در مدیریت جامعه، رفع فساد، ارائه اقتصاد اسلامی، مبارزه با تورم و بیکاری و امثال‌هم بوده است. متأسفانه این مسئله به طور مشابه تأثیر بسیار گسترده‌ای در دین‌گریزی ایشان را معتقد به لزوم پیروی از الگوهای سیاسی-اقتصادی و اجتماعی غرب کرده است. این‌ها، مع الاسف، همه ناشی از کم‌کاری حوزه در گستراندن فقه به عرصه‌های نو و تخصصی مورد نیاز جامعه بوده است که باید هر چه سریع تر جبران گردد و گرنه به فرموده مقام معظم رهبری حوزه به انزوا کشیده خواهد شد.

۴) بحران کارآمدی دین در اداره اقتصاد و ضعف الگوهای اقتصاد اسلامی

علی رغم گذشت قریب به چهار دهه از عمر مبارک انقلاب اسلامی، نظام اسلامی با معضلات عمیق و ریشه داری در بعد مسائل اقتصادی مواجه است. این در حالی است که ارتکاز و تلقی عامه مردم از برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی دولت‌های مختلف پس از انقلاب، این است که با وجود ولایت فقیه در رأس نظام و نهادهای دینی هم چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و غیره، بحران‌های گوناگونی که در بخش‌های مختلف نظام پولی و مالی، ابزارهای مالی، معطل ربوی بودن و خلق پول بی رویه سیستم بانکی، مواجهه مصلحت آمیز با عقود شرعی در نظام بانکی (هم چون عقد مرابحه و مشارکت و ...) و دیگر عرصه‌ها داریم همه حاکی از ضعف‌های عمیق نظریه پردازی اقتصاد اسلامی در این ساحت هاست. به تعبیری قرائت جاری حاکمیتی نتوانسته کارآمدی لازم را داشته باشد و در مرتبه بالاتر دین کارآمدی لازم جهت اداره جامعه و خصوصاً اقتصاد را نداشته است.

۵) بحران انزوای تدریجی حوزه به علت دور بودن از عینیت و متن مسائل واقعی کشور

وضعیت موجود حوزه‌های علمیه که به علت دور بودن از فضای مسئله‌های مورد ابتلای نظام و به تبع آن نداشتن راه حل‌های عملی، نگرانی بزرگی را در بین دغدغه مندان حوزه و به ویژه شخص مقام معظم رهبری نسبت به انزوای تدریجی حوزه از ساحت اجتماع به وجود آورده است، که نسبت به آن هشدار داده اند.

راه حل این مشکل، چیزی جز تخصصی شدن در حوزه معارف دینی نیست و تأیید قاطبه فقهاء بزرگوار نسبت به آن، شاهدی بر ضرورت انکارناپذیر حرکت حوزه به سوی فقههای موضوعی و در صدر آنها، فقه الاقتصاد است. در این تخصصی شدن نیز برای شناخت تفريعات و موضوعات جدید و مستحدثه که مولود تمدن مدرن غربی است، روی آوردن به فراغیری رشته‌های دانشگاهی (که هر یک از حیث موضوع، متناظر با بخشی از ابواب فقهی و دیگر معارف اسلامی است) ضروری به نظر می‌رسد. همچنان که شیخ الطایفه شیخ طوسی قدس الله روحه الشریف در بسط و تفریع فقه اهل‌البیت (علیهم السلام) از تفريعات فقه عامه بهره بسیار برده است.

ریشه دیگر بحران مزبور را می‌توان در مسئله محور نبودن پژوهش‌های حوزوی قلمداد کرد. هم اکنون یکی از دغدغه‌های اساتید و مدیران حوزه در راستای ایجاد تحول، معطل کمرنگ بودن پژوهش در حوزه در مقایسه با دانشگاه است. مروری بر موضوعات پایان نامه‌های نگاشته شده حوزوی - چه در حوزه خراسان و چه در حوزه قم - به عنوان پژوهش‌های صورت گرفته می‌تواند از یکی از دلایل اساسی ضعف پژوهش در حوزه پرده بردارد، و آن فقدان سؤال یا مسئله پژوهش است. اینبوی از موضوعات تکراری در این پایان نامه‌ها و نیز موضوعاتی که به هیچ وجه کاربردی در فضای امروز جامعه ندارند، حاکی از بحران «فقدان مسئله» در مطالعات حوزوی است که نتوانسته همپای با تحولات جامعه و حوادث واقعه حرکت کند. به نظر می‌رسد آن چه می‌تواند حوزه را از این وضعیت برهاند چیزی نیست جز ورود اجتهادی به عرصه‌های تخصصی دانشگاهی به مثابه موضوعات.

۶) تهدیدها و فرصت‌های توسعه رشته اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها

یکی از فرصت‌های تأسیس رشته اقتصاد در حوزه، بهره برداری و پاسخگویی به گسترش قابل توجه رشته اقتصاد اسلامی در سالهای اخیر در دانشگاه‌های کشور است. تشکیل دوره‌های آموزشی اقتصاد اسلامی در مقطع دکتری و

کارشناسی ارشد در بسیاری از دانشگاه‌های کشور در سال‌های گذشته حاکی از روند رو به رشدی است که تفاضل شدیدی برای تدوین متون درسی شایسته برای شاخه‌های مختلف اقتصاد اسلامی و اساتید متخصص برای تدریس آنها به وجود آورده است و متأسفانه دیده می‌شود به علت نبود نیروهای حوزوی کافی، این مهم به دانشگاهیانی فاقد صلاحیت کافی از حیث اسلام‌شناسی سپرده می‌شود. لذا به همان نسبت که این فضا یک فرصت محسوب می‌شود، تأثیر حوزه در پرداختن و پاسخگویی به این نیاز، تهدیدی جدی برای اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود؛ به طوری که اگر حوزه نسبت به تصدی این امر تأثیر ورزد، ما به زودی با نسلی از مدعیان اقتصاد اسلامی مواجه خواهیم بود که نه تنها دارای مبانی اجتهادی و اندیشه اسلامی نبوده، بلکه علمای حوزه را نیز فاقد صلاحیت برای ورود به این ساحت خواهند دانست.

نمونه این امر، جسارت و اهانت یکی از پیش‌کسوتان اقتصاد اسلامی دانشگاه‌های کشور به ساحت مرجعیت در رسانه ملی با این بیان است که مراجع دینی حق مداخله و اظهارنظر در مسائل اقتصادی من‌جمله مسأله ربا و بانک را نداشته و باید به امور دینی خود بپردازند. این واقعه، رویدادی بسیار اسفبار برای نظام اسلامی و تکان دهنده برای حوزه‌های مقدس علمیه بود که بیش از پیش بر نکات مزبور صحه گذاشت:

الف) این که دانشگاه جایگاه تولید علوم انسانی اسلامی نبوده و دانشگاهیان صلاحیت این امر را ندارند.

ب) اینکه حوزه نمی‌تواند در شناخت موضوعات به کارشناسان دانشگاهی که خود با ذهنیتی شکل گرفته و از دریچه فهم جهت دار خود به مسائل می‌نگرند، اتکا کند و لذا باید موضوع شناسی را نیز در کنار حکم شناسی از وظایف فقیه بر شمرد.

از سوی دیگر، این رویداد را می‌توان تلنگری برای حوزه‌های علمیه برشمرد که برای جامعه این قابل پذیرش نیست که مرجعیت فی الجمله، نفیاً و سلبیاً در مسائلهای فتوا داده، بی آن که اثباتاً و ایجاباً طرح و جایگزینی برای وضع موجود ارائه کند. اگرچه جسارت فرد مزبور و امثال وی به ساحت مرجعیت، برخاسته از گمراهی علمی و غربزدگی ایشان است، لیکن باید اذعان کرد که متأسفانه دست حوزه نیز از راهکارهای برون رفت از نظام ربوی خالی است. لذا دفاع از حوزه و مرجعیت در زمان حاضر، مستلزم کمر همت بستن حوزه برای پرداختن به اقتصاد است.

۷) استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود در بین طلاب

هم اکنون در میان طلاب و دانش پژوهان، افراد مستعد فراوانی هستند که به طور ویژه به موضوع اقتصاد علاقه‌مندند لیکن متأسفانه به علت دشواری جمع میان تحصیل حوزوی و دانشگاهی از پیگیری و به فعالیت رساندن این علاقه خود در بستر تحصیل حوزوی محروم می‌شوند.

همچنین، بسیاری از طلاب فاضل مقطع خارج حوزه را می‌توان یافت که عملاً عرصه‌ای کاربردی برای استفاده از اندوخته‌های اجتهادی خویش نیافته و در عین استعداد فراوان برای پژوهش در عرصه فقه، به امور تبلیغی و بلکه اجرایی مبادرت می‌ورزند. با وارد کردن طلاب به عرصه‌های تخصصی – بویژه علم اقتصاد – مجال و میدان بسیار وسیعی برای به فعالیت رساندن این ظرفیت‌ها و به کار انداختن دانش فقهی و مهارت اجتهادی این سرمایه‌های حوزه فراهم گشته و افرون بر آن طلاب از احساس ناکارآمدی در جامعه امروز (که گریبانگیر درصد قابل توجهی از طلاب حوزه‌هast) رهایی می‌یابند.

بخش دوم:

مروری بر فعالیت‌های هیئت اندیشه ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت اسلامی حوزه علمیه خراسان از پدرو تأسیس تاکنون

در طول مدت نزدیک به یک سال و سه ماه که از شروع به کار هیئت می‌گذرد، اهم برنامه‌های انجام شده در حوزه‌های مختلف به شرح زیر می‌باشد:

الف) در حوزه آموزش

- (۱) طراحی دوره تخصصی پنج ساله سطح ۲ و ۳ پیوسته «فقه و اقتصاد»، مشتمل بر ۲۲۱ واحد به شرح کتابچه «مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره سطح ۲ و ۳ پیوسته فقه و اقتصاد» (۲۰۷ صفحه)؛ در فرایند تصویب.
- (۲) طراحی دوره تخصصی شش ساله سطح ۳ و ۴ پیوسته «فقه و اقتصاد»، مشتمل بر ۲۱۶ واحد به شرح کتابچه «مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره سطح ۳ و ۴ پیوسته فقه و اقتصاد» (۲۱۳ صفحه)؛ در فرایند تصویب.
- (۳) طراحی، گزینش و برگزاری اولین دوره پودمانی اقتصاد محتوی چهار نیمسال، برای نخبگان و مدرسین جوان سطوح عالی فقه و اصول از خردادماه ۱۳۹۷ (در حال اجرا).

ب) در حوزه پژوهش

- (۱) طراحی و برگزاری سمینارها و نشست‌های تخصصی اقتصاد اسلامی تحت عنوان «سلسله نشست‌های اقتصادنا» که بیست جلسه از آن تا انتهای مهرماه ۱۳۹۷ با ارائه اساتید برجسته اقتصاد اسلامی کشور برگزار شده است. هدف از این نشست‌ها نشان دادن گوشاهای از ظرفیت‌های فقه برای پرداختن به مسائل روز اقتصادی جامعه، طرح موضوعات نو در مرزهای دانش اقتصاد اسلامی و گفتمان‌سازی فقه الاقتصاد در حوزه‌های علمیه است.
- (۲) برگزاری نشست‌های عمومی اقتصاد اسلامی در مدارس علمیه منتخب که در کنار طرح موضوعات اقتصادی، فرست بدون واسطه‌ای جهت معرفی هیئت برای طلاب علاقه مند و آشنایی ایشان با دامنه مباحث اقتصادی-فقهی فراهم می‌کند.
- (۳) برگزاری همایش در موضوعات مهم و مبتلاهه اقتصاد اسلامی با حضور اساتید برجسته و صاحب‌نظر:
 - a. همایش درآمدی بر فقه پول و بانک
 - b. همایش شناسایی ظرفیت‌های پژوهشی و پژوهشگران اقتصادی حوزه علمیه خراسان
 - c. همایش نقد و بررسی فقهی بازاریابی شبکه‌ای
- (۴) برگزاری مداوم جلسات «گروه علمی» هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد که علاوه بر سیاستگذاری و تعیین خط‌مشی‌ها، امور ذیل را نیز در دستور کار خود به پیش برد است:

- a. نقد و بررسی سرفصل برخی از دروس پایه رشته اقتصاد به منظور طراحی سرفصل و تدوین متون درسی جدید متناسب با اهداف رشته‌های «فقه و اقتصاد» و «دوره پودمانی اقتصاد» و نیز «اقتصاد به زبان ساده» برای طلاب سطح یک حوزه‌های علمیه.
- b. نقد و بررسی طبقه‌بندی JEL¹ از موضوعات دانش اقتصاد و تدوین طبقه‌بندی‌ای جدید از مسائل اقتصادی بر مبنای اقتصاد اسلامی (در حال تکمیل).
- (۵) تدوین مجموعه پرسش‌های فقهی و مسائل مستحدثه در موضوع اقتصاد بخش عمومی و پول.
- (۶) تدوین نسخه اول نظام موضوعات پژوهشی هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت اسلامی.
- (۷) تأسیس کتابخانه تخصصی اقتصاد اسلامی و تجهیز آن به بیش از هزار و صد عنوان کتاب اقتصادی در فاز اول و دوم.
- (۸) تدوین و انتشار کتاب «سلسله نشست‌های اقتصادنا سال ۱۳۹۶» مشتمل بر دوازده سخنرانی علمی.
- (۹) تدوین جزوی کلیات اقتصاد مربوط به درس کلیات اقتصاد ارائه شده در ترم اول دوره پودمانی اقتصاد برای طلاب.
- (۱۰) ارزیابی علمی، ویراستاری و انتشار کتاب «نظریه‌های عدالت اقتصادی» تألیف دکتر میثم پیله‌فروش.

جدول نشست‌های برگزار شده از سلسله نشست‌های اقتصادنا تا مهرماه ۱۳۹۷

شماره نشست	تاریخ	موضوع	سخنران	سمت
۱	۲۰ مهر ۹۶	ارتباط وجهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی	دکتر مهدی موحدی بکنظر	هیئت علمی اقتصاد دانشگاه شاهد
۲	۲۷ مهر ۹۶	درآمدی بر فقه پول و بانک	حجت الاسلام دکتر محمدحسین حسین‌زاده بحرینی	هیئت علمی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد
۳	۴ آبان ۹۶	بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی و دلالت‌های آن برای اقتصاد مقاومتی	آقای سعید سیدحسین‌زاده یزدی	پژوهشگر اقتصاد اسلامی
۴	۹ آذر ۹۶	دلالت‌های مثلی یا قیمتی بودن اموال در تعریف ماهیت پول	حجت الاسلام والملمین محسن ملکی ابرده	استاد خارج فقه حوزه علمیه مشهد
۵	۹ آذر ۹۶	رهیافت حقوقی در تبیین عدالت اقتصادی اسلام	دکتر سید احسان خاندوزی	هیئت علمی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
۶	۱۶ آذر ۹۶	ثبت و متعیر در تفسیر اقتصادی قرآن کریم	حجت الاسلام دکتر سید مهدی معلمی	هیئت علمی اقتصاد جامعه المصطفی
۷	۹ آذر ۹۶	الگوی توزیع درآمد از منظر قرآن کریم با روش استنباط نظریه	حجت الاسلام دکتر سید کاظم رجایی رامشه	هیئت علمی اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۸	۹۶ دی ۹۶	الگوی تأمین اجتماعی در اقتصاد مقاومتی	حجت الاسلام دکتر سید رضا حسینی	هیئت علمی اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۹	۹۶ دی ۹۶	مدیریت و بهره‌برداری انفال در نظام اقتصادی اسلام	حجت الاسلام دکتر سعید فراهانی فرد	هیئت علمی اقتصاد دانشگاه قم

¹ Journal of Economic Literature

۱۰	۹۶ دی ۲۸	نقش نظام وقف و نهادهای خیریه در مقاوم شندن اقتصاد ایران	دکتر مهدی طغیانی	هیئت علمی اقتصاد دانشگاه اصفهان
۱۱	۹۶ بهمن ۵	توسعه اقتصادی ارزش‌مدار و پارادوکس «رذائل خصوصی فوائد عمومی‌اند»	حجت‌الاسلام دکتر جواد ایروانی	هیئت علمی قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۱۲	۹۶ بهمن ۱۲	وقف پول از منظر فقه	حجت‌الاسلام دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی	هیئت علمی اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
گرد همایی شناسایی ظرفیت‌های پژوهشی و پژوهشگران اقتصاد اسلامی حوزه خراسان				
۹۶ اسفند	۱) زکات پول امروزی	(۱) حضرت آیت‌الله اشرفی شاهرودی	استاد خارج فقه حوزه علمیه مشهد	
	۲) فقه منابع مالی دولت اسلامی	(۲) حجت‌الاسلام دکتر غلامرضا مصباحی مقدم	عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام	
	۳) الزامات پژوهش در اقتصاد اسلامی	(۳) دکتر علی‌اکبر ناجی	دانشیار اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد	
۹۷ اسفند	حرمت خلق پول با تعریف جدید پول بر مبانی حقیقت شرعیه	حجت‌الاسلام محمد بشیری عارف	استاد حوزه علمیه تهران	
	شناخت خلق پول بانکی با رویکرد ترازانه‌ای	دکتر سید مهدی حسینی دولت‌آبادی	مدیر کارگروه پولی و بانکی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	۲۰ اردیبهشت ۹۷
۱۴	۹۷ خرداد ۳۱	ماهیت‌شناسی نظام بانکی در ایران	دکتر حسین صمصامی	عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی
۱۵	۹۷ تیر ۲۱	ماهیت پول؛ اعتبار یا حقیقت؟	حجت‌الاسلام دکتر محمد اسماعیل توسلی	عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
۱۶	۹۷ مرداد ۴	ترتیبات مطلوب خلق پول	دکتر علی مروی	عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
۹۷ مرداد	مفهوم شناسی دانش اقتصاد	دکتر محمد نعمتی	دکتر محمد نعمتی	عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام
	فلسفه علوم اجتماعی و نسبت آن با فقه اقتصادی	دکتر محمد نعمتی	دکتر رسول بخشی دستجردی	عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام
۱۸	۹۷ شهریور ۳	خودتحریمی (بحران نقدینگی) یا تحریم‌های دلاری (سلطه جهانی دلار)	دکتر رسول بخشی دستجردی	عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه اصفهان
۱۹	۹۷ مهر ۲۶	بحran نظام پولی و بانکی و وضعیت آینده اقتصاد ایران	دکتر رسول بخشی دستجردی	عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه اصفهان
۹۷ شهریور	امکان‌سنجی پیاده‌سازی پول طلا در ایران	مهندس محمد غلامی	- حجت‌الاسلام جواد عبادی	مسئول کارگروه معیشت و اقتصاد پژوهشکده مطالعات تمدنی اسلام (متا)
	نقد و بررسی فقهی بازاریابی شبکه‌ای	-	-	- مدیر عامل مؤسسه تحقیقات فقه اقتصادی طبیعت قم

- پژوهشگر فقه و اقتصاد	- حجت الاسلام دکتر سیدمهدی نریمانی		
- کارشناس کسب و کارهای مجازی سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی	- دکتر مهدی طاحونه‌بان		

ج) ارتباطات علمی

(۱۱) رایزنی با مراکز و مؤسسات علمی حوزوی و دانشگاهی داخل و خارج کشور برای بررسی راههای همکاری، من

جمله:

- a. مؤسسه تحقیقات اسلامی تحت اشراف آیت الله اشرفی شاهروodi
- b. مرکز تخصصی فقه آیت الله فاضل لنکرانی، شعبه مشهد
- c. مدرسه تخصصی عالی فقه و اصول ثامن الحجج (ع) (واقع در مدرسه آیت الله خوئی (ره))
- d. دانشگاه مسیحی نوتردام لویزه لبنان (با نمایندگی پروفسور ادوارد جوزف عالم)
- e. مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تهران، کارگروه اقتصاد
- f. مرکز نوآوری و ایده‌پردازی در علوم انسانی اسلامی (منا) وابسته به بنیاد کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی
- g. مؤسسه مطالعات تمدنی متأصفهان

(۱۲) رایزنی با استاد برجسته حوزه علمیه خراسان و تبیین اهداف و برنامه‌های هیئت و راهکارهای تعامل برای پیشبرد رسالت فقه الاقتصاد و گسترش پژوهش اقتصادی به عرصه دروس خارج فقه.

(۱۳) رایزنی و ارتباط گرفتن با مدرسان و پژوهشگران اقتصاد مشهد (و بعضًا سطح کشور) جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایشان در برنامه‌های علمی هیئت، منجمله انجام پژوهش‌های مورد نظر در نقشه پژوهشی هیئت، تدریس کارگاه‌های عمومی اقتصاد اسلامی طراحی شده توسط هیئت در مدارس علمیه و مراکز هدف، وغیره.

بخش سوم: دورنمایی از طرح‌ها و برنامه‌های پیش روی هیئت

به فضل الهی برنامه‌های متنوعی در دستور کار هیئت اقتصاد وجود دارد، لیکن از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت و تحقق برنامه‌ریزی‌های انجام شده و آنچه در ذیل می‌آید، حمایت، پشتیبانی و حضور مستقیم استادی و بزرگان حوزه در تشویق و تشجیع طلاب به پرداختن به موضوعات اقتصادی است تا بدین طریق، فضلاً و طلاب نسبت به سرمایه‌گذاری در این مسیر و گذراندن دوره‌های لازم دلگرم شده و با تأثیر و ظرفیت‌های پژوهشی خود را بالفعل کنند.

برخی از برنامه‌های پیش روی هیئت که برای یک دوره دو تا پنج ساله مد نظر است به شرح زیر می‌باشد:

الف) در حوزه آموزش:

- (۱) تداوم اولین دوره پودمانی اقتصاد (ورودی ۱۳۹۷) و برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت دوره (به عنوان اولین تجربه) با اصلاح و مناسب‌سازی سرفصل‌ها.
- (۲) طراحی دوره سطح ۴ تخصصی فقه الاقتصاد در امتداد دوره پودمانی دوساله، برای فضایی که وارد دوره‌های بلند مدت «فقه و اقتصاد» نشده‌اند، به طوری که دوره پودمانی اقتصاد پیش‌نیاز آن محسوب گردد.
- (۳) رایزنی و پیگیری برای تشکیل گروه علمی فقه الاقتصاد ذیل گروه علمی فقه و اصول در بخش مدیریت مدارج علمی معاونت آموزش حوزه، به منظور کمک و بهبود فرآیند انتخاب موضوع، تصویب، هدایت و داوری پایان‌نامه‌های فقهی‌اقتصادی.
- (۴) تلاش برای تکمیل کادر علمی هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت علمی و جذب هیئت علمی شایسته دارای مدارج عالی رشته اقتصاد و تحصیلات حوزوی.
- (۵) فراخوان، جذب و گرینش طلاب ممتاز جهت برگزاری دوره‌های بلند مدت «فقه و اقتصاد» (پس از تصویب نهایی رشته در مرکز مدیریت حوزه، و تکمیل نصاب لازم).
- (۶) فراخوان، جذب و گرینش استعدادهای برتر حوزه و علاقه‌مند به فقه الاقتصاد برای تشکیل دوره دوم و دوره‌های بعدی آموزش کوتاه‌مدت (پودمانی) اقتصاد.
- (۷) تشویق فضلاً و طلاب مقطع خارج علاقه‌مند به نگارش رساله سطح ۳ یا ۴ در موضوعات فقه الاقتصاد، به شرکت در دوره آموزشی پودمانی اقتصاد.
- (۸) طراحی و برگزاری نشست‌های علمی با نظر به مسائل و چالش‌های اقتصادی روز جامعه.
- (۹) طراحی و برگزاری نشست‌های تخصصی با هدف ارائه آخرين و جدیدترین تحقیقات در اقتصاد اسلامی و معرفی محققان جوان در این حوزه.
- (۱۰) طراحی و برگزاری کارگاه‌های تخصصی در موضوعات اقتصادی.
- (۱۱) طراحی و برگزاری دوره تربیت مدرس احکام مالیات‌های اسلامی (خمس و زکات).
- (۱۲) طراحی و برگزاری دوره تربیت مدرس احکام بانک، بورس و بیمه.
- (۱۳) طراحی و برگزاری دوره تربیت مدرس احکام کسب و کار

ب) در حوزه پژوهش:

- (۱) راهاندازی سلسله نشست‌های اقتصادنا در لایه دروس خارج فقه، با تشکیل لجنه‌ای از اساتید مبرز خارج فقه حوزه علمیه مشهد که با کمک شاگردان فاضل خود و موضوع‌شناسی‌های هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد، به بحث و بررسی مسائل مستحدثه اقتصادی بپردازنند و بدینوسیله زمینه گسترش و ارتقای دروس خارج فقه الاقتصاد در حوزه علمیه خراسان فراهم گردد.
- (۲) توسعه کتابخانه تخصصی؛ فهرست‌نویسی و آماده‌سازی منابع موجود و راهاندازی سامانه مدیریت کتابخانه
- (۳) تهیه اشتراک بانک‌های اطلاعات علمی دیجیتال اقتصاد و اقتصاد اسلامی
- (۴) تکمیل و توسعه نقشه پژوهشی جامع
- (۵) تهیه RFP برای پژوهش‌های مورد نظر هیئت و واگذاری به محققان زبده
- (۶) تدوین و چاپ کتاب نشست‌های سالیانه
- (۷) طراحی و تدوین کتاب احکام مالی برای مخاطبان عمومی
- (۸) طراحی و تدوین کتاب احکام اقتصادی تخصصی برای طلاب
- (۹) بازنگری سرفصل‌ها و سفارش تألیف کتب درسی مورد نیاز برای دوره و چاپ آن‌ها.
- (۱۰) برگزاری ویینارها (سمینارهای آنلاین) در موضوعات اقتصاد اسلامی
- (۱۱) برگزاری همایش‌های تخصصی اقتصاد اسلامی در مقیاس محلی، ملی و بین‌المللی.

ج) در حوزه ترویج و ارتباطات علمی:

- (۱) طراحی و توسعه پایگاه اینترنتی هیئت.
- (۲) طراحی و برگزاری کارگاه‌های عمومی در موضوعات اقتصادی.
- (۳) ارتباطات و همکاری‌های علمی با دیگر مراکز و مجموعه‌های فعال در عرصه اقتصاد اسلامی در استان و در سطح کشور

بخش چهارم: معرفی اجمالی دوره‌های آموزشی در حال اجرا یا مصوب هیئت

(۱) دوره پومنی اقتصاد (کوتاه‌مدت)

دوره پومنی عمومی اقتصاد، یک دوره بسیار موجز و فشرده از امehات دانش اقتصاد است که در طول دو سال و در حجم تقریبی ۴۰ واحد اقتصادی خوانده می‌شود. این دوره برای طلاب درس خارج و فضایی طراحی شده است که فرصت و فراغت کافی برای ورود به دوره‌های بلندمدت را نداشته اما در عین حال به علت تمپس در فقه و اصول، علاقه مند به تخصص یافتن در یکی از ابواب فقه و لذا تمرکز مطالعات و پژوهش‌های خود در ابواب اقتصادی فقهاند. هم چنین این دوره برای طلابی سطح چهاری در نظر گرفته شده است که قصد نگارش رساله (سطح سه یا چهار) در موضوعات فقه اقتصادی را دارند تا بدین وسیله به آشنایی حداقلی با ادبیات و اصطلاحات روز اقتصادی دست یابند. برخی از دروس این دوره کوتاه مدت عبارتند از: کلیات علم اقتصاد (مشتمل بر اقتصاد خرد و اقتصاد کلان توصیفی)، پول و بانکداری، اقتصاد بخش عمومی (دولت)، ابزارها و نهادهای مالی و

با خوردهایی که از برنامه‌های هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد در طول ماههای اولیه توسط طلاب و فضایی بزرگوار گرفته شد، نشان از آن داشت که در مقطع کنونی، دوره‌های پومنی و کوتاه‌مدت آموزش اقتصادی برای طلابی که عمدت تحصیلات حوزوی خود را با موفقیت پشت سر گذراند و دغدغه افت تحصیلی در بخش دانش فقهی و اصولی خود را ندارند، می‌تواند یکی از مناسب‌ترین راهبردهای آموزشی هیئت اقتصاد باشد. لذا هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد در فروردین ماه ۱۳۹۷ با همکاری دفتر استعدادهای برتر و نخبگان مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، اقدام به شناسایی طلاب مستعد و ممتازان فقه و اصول علاقه‌مند به حوزه فقه اقتصاد کرده و طی مراحل مختلف و برگزاری دو جلسه توجیهی، در ابتدای تابستان ۹۷ اولین دوره پومنی اقتصاد را با پائزده نفر از منتخبان آغاز کرد.

(۲) پومنی‌های تخصصی

پومنی‌های تخصصی برای کسانی در نظر گرفته شده است که پس از گذراندن دوره پومنی عمومی، به ادامه مطالعات تخصصی در اقتصاد علاقه مند شده و خواستار تعمیق دانش اقتصادی خود در یکی از شاخه‌های اقتصادی. این پومنی‌ها در حجم ده واحد پیش‌بینی شده و می‌توانند در هر یک از موضوعات مختلفی منجمله «پول و بانک»، «بورس و نهادهای مالی»، «بخش عمومی یا دولت»، «نظام‌های مالیاتی» و ... بسته به انتخاب و تعیین گرایش فارغ التحصیلان دوره پومنی اقتصاد ارائه گردد.

(۳) دوره بلندمدت تخصصی سطح ۲ و ۳ پیوسته فقه و اقتصاد:

دوره بلندمدت سطح ۲ و ۳ پیوسته فقه و اقتصاد، یک دوره تخصصی پنج ساله مشابه برخی از دیگر رشته‌های تخصصی سطح ۲ و ۳ حوزه است که طلاب در کنار دروس اصلی فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) طی حدود ۱۰۰ واحد دروس تخصصی رشته خود را می‌گذرانند. دروس تخصصی این دوره، تلفیقی از دروس مهم مقطع کارشناسی و تعداد محدودی از دروس اقتصادی کارشناسی ارشد بعلاوه چند درس جدید اقتصادی است که سرفصل آنها در هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد تهیه شده است. بخش عمده این دروس – به ادلای که تفصیلاً در جزو «مبانی نظری» هیئت مطرح

گشته است – دروس متعارف رشته اقتصاد دانشگاهی است که در برخی موارد بازبینی هایی در سرفصل آنها انجام شده است و بازبینی در برخی دیگر نیز به تناسب زمان و سرمایه انسانی مورد نیاز، در دستور کار پژوهشی هیئت قرار دارد. از ویژگی های اصلی این دوره – و دیگر دوره های هیئت اندیشه ورز اقتصاد – تأکید بر استعداد، توانمندی و ذوق فقهی- اصولی طلاب پذیرفته شده است، چرا که هدف اصلی این دوره ها تربیت طلاب و فضلاًی است که در ضمن تقویت دانش فقه و اصول خود، با احاطه به دانش اقتصادی روز، به اجتهاد در مسائل مستحدثه این ابواب بپردازند.

۴) دوره بلندمدت تخصصی سطح ۳ و ۴ پیوسته فقه و اقتصاد:

دوره بلندمدت سطح ۳ و ۴ پیوسته فقه و اقتصاد، یک دوره بلندمدت شش ساله است که از حیث محظوا تفاوت چشمگیری با دوره سطح ۲ و ۳ پیوسته نداشته و می تواند جایگزینی برای طلابی باشد که آن را با شرایط خود مطابق تر می یابند. برخی از نکاتی که باعث بازطرابی دوره سطح ۲ و ۳ به این صورت و ممکن است وجه امتیاز آن باشد از این قرار است:

الف) طلاب فارغ التحصیل سطح دو با برخورداری از دانش فقهی بالاتر در مقایسه با طلاب سطح یک، ضمن اینکه تا حدودی جهت گیری علمی خود را انتخاب کرده اند توانمندی بیشتری در عرصه نقد اندیشه ها و نظریه پردازی فقهی خواهند داشت.

ب) طلاب فارغ التحصیل سطح دو با عبور از یک مقطع تخصصی، آمادگی و استعداد علمی بالاتری از خود نشان داده اند.

ج) با توجه به شمول این دوره نسبت به مقطع درس خارج که اقلًا چهار سال برای آن در نظر گرفته می شود، طول دوره سطح ۳ و ۴ به شش سال رسیده و این مدت، فرصت مناسب تری برای آموزش های فشرده حوزوی و اقتصادی فراهم می کند.

د) طلاب این دوره با لزوم ارائه دو پایان نامه سطح ۳ و سطح ۴، زمینه مناسب تری برای قلم زدن و پژوهش در عرصه فقه الاقتصاد به دست می آورند.

ه) ترکیبی از دروس خارج به علاوه دروس اختیاری تخصصی و سمینارهای پژوهشی که به طور خاص برای این دوره در نظر گرفته شده است، توانمندی اجتهادی فوق العاده ای نسبت به دوره های مشابه برای طلاب این دوره پیوسته رقم می زند.

و) با توجه به اینکه این دوره تخصصی به اتمام سطح چهار تحصیلات حوزوی (عالی ترین سطح مدارج حوزوی) متنه می گردد، تضمین بیشتری برای باقی ماندن طلاب این دوره در عرصه پژوهش و ثمردهی آموزش های ایشان وجود دارد.

پنجمین پنجه: سوالات متداول هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد و الگوی پیشرفت اسلامی

مفهوم

۱. اصول اقتصاد چه نسبت و سنجیتی با دانش‌های حوزوی دارد؟

بخش قابل توجهی از فقه که شاید برجسته‌ترین دانش‌های حوزوی باشد مربوط به امور اقتصادی است (بیش از نیمی از ابواب در غالب مدونات فقهی). علاوه بر این، تنها متن درسی فقه در چهار سال دوره سطح، مکاسب شیخ انصاری (ره) است که عبارت از اقتصادیات زمان خویش است. این کافی است برای اثبات این نکته که شارع مقدس نسبت به تنظیم امر معايش ناس و امور اقتصادی ایشان نظر داشته است و موضوع اقتصاد داخل در موضوع فقه می‌باشد.

امکان

۱. مگر علوم تجربی، دینی و غیردینی دارند؟

در این که علوم اجتماعی من جمله اقتصاد صرفاً متکی به روش تجربه در مقابل قیاس باشند در تحقیقات فلسفه علوم اجتماعی و فلسفه اقتصاد مناقشات بسیاری وجود دارد. تلقی رایج از «علم» (Science) که متأثر از فلسفه علم پوزیتیویستی بوده و آن را مستقل از ارزش‌ها می‌شمارد در مورد علوم اجتماعی به طور گسترده‌ای نقد شده و مکاتب متعددی پس از آن در علم‌شناسی ظهور کرده‌اند که به پیوستگی ارزش‌ها و واقعیت‌ها اعتراض کرده‌اند. لذا این کاملاً طبیعی است که نظریات این دانش‌ها، بسته به اینکه مبنی بر چه نظام ارزشی باشند تغییر کرده و متفاوت باشد. پس اقتصاد اسلامی ممتنع نبوده، همچنانکه هم‌اکنون نحله‌های متعددی از دانش اقتصاد وجود داشته و هر یک مسیر پژوهشی خود را ادامه می‌دهند؛ مانند اقتصاد نئوکلاسیک، کیزنسی، نهادی، فمینیستی، مارکسیستی، اتریشی و

۲. آیا اسلام «می‌تواند» و لزوماً «باید» برای حکومت و اقتصاد حرفی داشته باشد؟ آیا این انتظار بیش از اندازه نیست؟ مگر نه این است که شارع مقدس متعرض بسیاری از امور نشده و آنها را به عرف واگذار کرده است؟ اسلام هم می‌تواند و هم باید در حوزه اجتماعیات و بخصوص اقتصاد نظر دهد. این از لوازم و مبادی اصل نبوت و برهان بر ضرورت ارسال رسول است که هر آنچه که در فوز و فلاح انسان دخیل است و عقول بشری از دستیابی به پاسخی قاطع در آن عاجزند، بر شارع است که به بیان حکم و یا ارشاد بدان پردازد. البته این نگاه حداکثری، به این معنا نیست که شارع در هر امر اقتصادی دستور یا تأسیس خاص خود را داشته باشد.

۳. مگر قرآن تبیاناً لکل شیء نیست؟ چرا نتوان با اکتفا به قرآن و حدیث اقتصاد اسلامی را استخراج کرد؟ اگرچه قرآن مجید تبیان کل شیء است، لیکن برای اصطیاد معارف از آن، باید آن را استنطاق نمود. رفتن سراغ قرآن و روایات بدون داشتن «مسئله» و سؤال لزوماً به کشف و تولید معرفت نمی‌انجامد.

۴. آیا ذهن افراد (طلبه) با خواندن نظریات غربی گرفتار پیش‌فرض‌های آنان و دچار انحراف نمی‌شود؟ آیا برای دستیابی به اقتصاد اسلامی باید لزوماً اقتصاد غربی را خواند؟ بالطبع این تهدید در همه نظریه‌پردازی‌های علمی وجود دارد؛ اما راههایی وجود دارد که می‌توان آن را به حداقل رسانده یا حتی آن را از میان برد، من جمله:

۱. اولین و مهم‌ترین شرط بی‌طرفی علمی و دلدادگی به حقیقت است. جامعه‌شناسی علم و علما نمونه‌های متعددی از نظریه‌پردازی‌هایی را نشان می‌دهد که محقق تحت تأثیر عواملی غیرعلمی (همچون برخوردهای سیاسی، تمایلات نهفته روانشنختی و ...)، دچار گردش ایدئولوژیک شده و نظریات علمی متضادی با گذشته خود تولید می‌کند.
۲. گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای و تاریخی در هر علم و وقوف به آراء و نظریات بدیل و متعارض: کسی که در یک مساله پاسخ هفت یا هشت رویکرد متفاوت را دیده است احتمال بسیار کمتری برای تأثیر پذیرفتن ناخودآگاه او از نظریه‌های خاص وجود دارد.
۳. داشتن مطالعات عمیق در باب فلسفه و روش‌شناسی علم مورد نظر: فلسفه و روش‌شناسی هر علم به عنوان معرفتی درجه دو، بسیاری از پیش‌فرضها و جهت‌گیری‌های دانشمندان آن علم در نحله‌های گوناگون را آشکار کرده و میان آنها به روش‌گری می‌پردازد.

ضرورت و فایده

۱. چه ضرورتی برای تحصیل اقتصاد توسط حوزویان وجود دارد؟ فقهاء می‌توانند برای شناخت موضوعات از کارشناسان دانشگاهی استفاده کنند.

این دیدگاه که از آن می‌توان به نظریه «همنشینی کارشناس و فقیه» یاد کرد، نمی‌تواند رویکرد عمیق و صحیحی به حل مسائل مستحدثه و تولید علم دینی باشد. اینکه به عنوان مثال کارشناس اقتصاد، موضوع پول را از کدام عینک و از منظر کدام مکتب برای فقیه تبیین و تشریح می‌کند بستگی تامی دارد به اینکه خود یا اساتید وی فارغ التحصیل کدامیک از دانشکده‌های غربی بوده باشند و آن دانشکده تحت تأثیر کدامیک از مکاتب اقتصادی باشد: شیکاگو، کیزین، اتریشی، نهادگرا یا ... لذا شناخت عمدۀ موضوعات در علوم اجتماعی، خود بخش قابل توجهی از فرایند اجتهداد را شکل می‌دهد که نمی‌توان آن را برونو سپاری نمود.

۲. وقتی سیاستمداران به دانسته‌های اندک و موجود اقتصاد اسلامی عمل نمی‌کنند (مانند حرمت ربا که نظام بانکی ما بدان آلوده است) چه امید و انگیزه‌ای برای نظریه‌پردازی و کشف کامل اقتصاد اسلامی وجود دارد؟

اینکه به آموزه‌های دین در جامعه - در هر مقیاس - عمل نشود نمی‌تواند علت و توجیهی برای تعطیلی فقاهت به شمار آید. با این استدلال اگر احکام جزایی اسلام هم در جامعه پیاده نشود پس باید دروس خارج فقه در ابواب قصاص و دیات و ... تعطیل شود. و اگر روزی مردم از نماز نیز گریزان شدند دروس خارج طهارت و صلاة نیز تعطیل گردد. خیر؛ بلکه امر به عکس است؛ اگر فقیه خود را در مقام نیابت از امام معصوم (ع) ببیند، تلاش می‌کند حکم اسلام را کشف کرده تا آن را در جامعه پیاده کرده و داعی‌الله باشد.

۳. سالهاست در اقتصاد اسلامی کار شده و به جایی نرسیده‌ایم. نزدیک چهل سال است دانشگاه امام صادق علیه السلام و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به دنبال همین آرمانند و محصول و خروجی خاصی به دست نیامده، چرا تکرار تجربه ناموفق دیگران؟

مدت چهل سال، در سیر تحول علوم و ایجاد گردنش‌های پارادایمی به هیچ وجه زمان زیادی نیست. دستیابی به آرمان اقتصاد اسلامی افزون بر اینکه به معنای جایجا کردن مرزهای دانش (یا به تعبیر دقیق‌تر به وجود اوردن یک قلمرو و مرز دانشی) است، در دل خود مشتمل بر تحولاتی در نگرش به فقه (از فقه فردی به حکومتی که هنوز در حد یک آرمان باقی مانده است)، نگرش به علوم اجتماعی، و تحولی در سازمان آموزش و پژوهش جامعه اسلامی (اعم از حوزه و دانشگاه) می‌باشد. لذا نه تنها پیشرفت‌ها در این مسیر نامیدکننده نیست، بلکه تخصص و سطح دانش بالا و در تراز بین المللی نسل جوان پژوهشگران اقتصاد اسلامی نویدبخش تحولات و پیشرفت‌های شگرفی در آینده بسیار نزدیک است.

چگونگی

۱. آیا بهتر نیست ابتدا یک دور درس خارج فقه و اصول گذرانده شود و پس از تحکیم پایه‌های دانش حوزوی به تحصیل رشته‌ی تخصصی غربی همچون اقتصاد پرداخت؟

به نظر می‌رسد ریشه این دغدغه این نکته باشد که ورود به مطالعات غربی پیش از اینکه شاکله ذهن محقق بر اساس نظام اندیشه اسلامی شکل بگیرد، می‌تواند باعث شکل دادن ذهن و نگرش‌ها و بینش‌های فرد بر اساس همان محتوای غربی گشته و قدرت نظام‌سازی و اجتهاد مبتنی بر اندیشه اسلامی را از وی سلب کند. این دغدغه فی الجمله مهم و بجاست. لکن توجه به چند نکته ضروری است:

الف) ساختار یافتن ذهن طلبه/دانشجو بر اساس نظام اندیشه دینی چیزی نیست که لزوماً با دانش فقه و اصول و تحصیلات عالی در آنها حاصل شود. برای این غرض، داشتن مجموعه‌ای متوازن و جامع از معلومات اسلامی در حوزه‌های مختلف (فقه، اخلاق، کلام، تاریخ اسلام و سایر معمومین ع)، تفسیر، فلسفه اسلامی، و ...) آن هم در سطح غیر اجتهادی، بسیار نافع‌تر از داشتن یکی از دانش‌های اسلامی (فقه) در سطح اجتهادی است. لذا برای این منظور گذراندن سیری مطالعاتی در آثار شهید مطهری (ره) و امثال آن که دیدگاه‌های اجمالی اسلام در عرصه‌های مختلف همچون نظام حقوق زن، حکومت و جمهوری اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، مقتضیات زمان، فلسفه تاریخ، فلسفه اخلاق و ... را می‌شناساند، بسیار مفیدتر به نظر می‌رسد.

ب) به تأخیر اندختن مطالعه در زمینه تخصصی و رشته دانشگاهی تا اتمام دروس خارج به نوبه خود چند آسیب دارد. اول اینکه با بالا رفتن سن دانش‌پذیر (نوعاً بالای سی سال) انگیزه و توان وی برای یادگیری افت قابل توجهی یافته و ذهن فرد دیگر دارای شادابی و طراوت گذشته نیست.

دوم اینکه طلابی که چند سال دروس خارج را گذرانده‌اند از حیث اشتغال و مدیریت خانواده نوعاً در شرایطی قرار دارند که فراغت کافی برای خواندن انبوهی از دروس و محتواهای کاملاً جدید و متفاوت از نوع دروس حوزوی را ندارند. شرایط سنی این دسته، اجازه ورود به بیش از دوره‌های کوتاه‌مدت در حوزه‌های دانشی غیر عمیق را نمی‌دهد. غیر از اینکه فرصت یادگیری ابزار مهم زبان انگلیسی برای این دسته کاملاً سوخته است.

سوم و مهم‌تر از همه اینکه برای پاسخ به مسائل نواظهور و پرسش‌های علمی عمیقی که از تقابل اندیشه غربی و اسلامی در رشته‌های مختلف علوم انسانی به وجود می‌آید، لازم است ذهن دانش‌پژوه ماهها و بلکه سال‌ها با این پرسش‌ها درگیر بوده تا اینکه در اثنای مطالعات گوناگون و اندیشه‌ورزی‌های ممتد، توفیق حل برخی از آنها را بیابد. لذا ورود دیر هنگام این پرسش‌ها به ذهن طلبه/دانشجو، مطالعات چندین ساله ایشان را که می‌توانست با تلقیح سؤالات بارور گشته و با بارقه‌های علمی به اصطیاد پاسخ‌ها و نظام‌سازی اسلامی بینجامد، کم‌سود و حاصل می‌نماید.

۲. آیا نمی‌توانیم به صورت مطالعه آزاد و جنی در کنار دروس حوزه، اقتصاد را بخوانیم؟

واقعیت این است که اقتصاد یک علم مادر و دشوارترین در میان علوم انسانی است و همانطور که بسیار بعید است دانشجویی با مطالعه آزاد فقه و زبان عربی، فقیه شود، بسیار دور از ذهن است که طلبه‌ای (یا دانشجویی از دیگر رشته‌ها) بتواند با مطالعه آزاد، بدون گذراندن سیر دروس پایه و اصلی و تخصصی این رشته زیر نظر استاد (و طبق همین روال مرسوم در دانشکده‌های اقتصاد) به فهم صحیح و قابل قبولی از این دانش و فراز و نشیب‌های آن و محل‌های نزاع اصلی آن دست یابد. نظر بسیاری از اساتید بر این است که دوره لیسانس از رشته‌هایی مانند اقتصاد، حقوق و ... (برخلاف مقاطع تكمیلی آنها) نقش محوری در فهم این دانش‌ها دارد و لذا ورود به این رشته‌ها از مقطع ارشد بدون داشتن کارشناسی آنها را چندان توصیه نمی‌کنند.

این مسأله در مورد اقتصاد که آموزش آن در عموم دانشکده‌های اقتصاد جهان، به میزان بالایی با مفاهیم ریاضی - به هر تقدیر - گره خورده است، شدت بیشتری می‌یابد.

۳. رشته اقتصاد حجم بالایی از ریاضیات دارد؛ چگونه طلاب بدون پیشینه ریاضیات از عهده آن بر می‌آیند؟

اگرچه آموزش متعارف دانش اقتصاد اینچنین است، اما نباید تصور کرد که ریاضیات جزئی از دانش اقتصاد بوده یا در فهم آن نقش محوری دارد. ریاضیات نقش تسهیل‌کننده در بیان «بخشی» از مفاهیم دانش اقتصاد دارد به طوری که می‌توان با معلومات اندکی از ریاضیات نیز بدان‌ها دست یافت و چنانچه هدف از مطالعه اقتصاد مدل‌سازی‌های کمی و بررسی همبستگی میان متغیرهای خاص اقتصادی نباشد و مانند آنچه در اینجا به دنبال آمیم در پی ابعاد هنجاری یا حکم‌شناسانه موضوعات اقتصادی باشیم، حتی بدون ریاضیات نیز این هدف دست‌یافتنی است. اصولاً ورود ریاضیات به دانش اقتصاد در قرن بیستم به طور جدی رخداده است، یعنی زمانی که این دانش اقلًا دویست سال از عمر خود را گذرانده است و از آن پس نیز بخش قابل

توجهی از تحقیقات اقتصادی - بویژه در نحله‌های غیر نئوکلاسیک و کینزی - عاری از زبان ریاضی است. این نکته در مباحث ماهیت دولت و حدود و ثغور آن و ماهیت پول و بانکداری که از نیازهای اولیه مطالعات حکم‌شناسانه است به وضوح قابل مشاهده است.

۴. اگر ما در خود استعداد و توان کافی برای رسیدن به اجتهاد در فقه الاقتصاد را نبینیم، خواندن اقتصاد برای ما چه نفعی دارد؟

صحیح است که دستیابی به اجتهاد متجزی در فقه اقتصادی (و هر یک از دیگر شاخه‌های فقه) نیازمند سطح بالایی از استعداد تحصیلی است، اما در عین حال داشتن حداقلی از دانش اقتصادی علاوه بر اینکه برای هر شهروند لازم است (و به همین دلیل اقتصاد، یک درس عمومی برای کلیه رشته‌های دانشگاه و دیبرستان و مقاطع پایین‌تر در بسیاری از کشورهای غربی است) برای طلاب که وظیفه تبلیغ، روشنگری و پیشگامی مردم در مطالبه‌گری و مبارزه با فساد را دارند ضرورتی مؤکد می‌یابد. پاسخگویی به پرسش‌های مردم در حوزه احکام مالی اسلام (خمس و ...)، احکام کسب و کار و مسائل بولی و بانکی که از مبتلا بهترین دسته از احکام‌اند، وظیفه روحانیت است که در حال حاضر به علت فقدان آموزش‌های اقتصاد اسلامی در حوزه‌ها به نحو مطلوبی صورت نمی‌پذیرد.

بخش ششم: گزارشی از سلسله نشست‌های اقتصادنا

اولین نشست تخصصی اقتصادنا

موضوع: ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت^۲

سخنران: دکتر مهدی موحدی بک نظر، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شاهد



خلاصه مباحث

هر چند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فضای لازم برای همگرایی نظام مالیاتی کشور با نظام مبتنی بر وجوهات شرعی و به نوعی پیاده سازی نظام مالیه مناسب با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت پیش آمد اما بنا به دلایلی آن طور که باید، محل بحث فقهی و محققان اقتصاد اسلامی قرار نگرفت. امروزه وضع مالیات‌های حکومتی در بهترین حالت، بر اساس تجربه کشورهای موفق در این زمینه و عملکرد مالیات‌های گذشته کشور صورت می‌گیرد و به هماهنگی و سازگاری آن با اهداف و عملکرد مالیات‌های صدر اسلام - که به نظر می‌رسد بهترین الگو برای نظام مالیاتی حکومت اسلامی باشد- توجه نمی‌شود. این عدم توجه موجب شد تا با پیاده‌سازی دو نظام موازی، مؤدی مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی با پرداختی‌های تکلیفی دوسویه - یعنی پرداخت مالیات از یک سو و پرداخت وجوهات شرعی از سوی دیگر - مواجه باشد. به نظر می‌رسد این مشکل ناشی از نوع نگاه موازی و جدا از هم به دو نظام مالیاتی است. از این رو در بررسی این موضوع بر آن هستیم تا در کنار نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) و همچنین تبیین نگاهی واحد به وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در شرایط امروز، به طراحی سازوکاری جدید دست بزنیم. از مجموعه دلالت‌های این نوع نگاه جدید به نظام مالیاتی، حل مشکل پرداخت‌های دوسویه، افزایش کارایی اقتصادی و تقویت نظام وجوهات شرعی بدون اتكاء به عقلانیت ابزاری خواهد بود.

^۲ پنجشنبه ۲۰ مهرماه ۱۳۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

دومین نشست تخصصی اقتصادنا^۳

موضوع: درآمدی بر فقه پول و بانک

سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین زاده بحرینی



خلاصه مباحث:

مشکلاتی که هم اکنون در مورد پول در کشور ما وجود دارد به این دلیل مطرح است که پول امروز، پول گذشته نیست و در این زمینه تنها یک اشتراک لفظی وجود دارد و پول گذشته و امروز ماهیتاً با هم تفاوت دارند. پول در گذشته دارایی فیزیکی ملموس و دارای ارزش ذاتی بود اما پول امروز تنها ارزش مبادله ای دارد. برگه ای که امروز به عنوان پول می شناسیم نه دارایی فیزیکی ملموس است و نه نماینده آن، بلکه سند بدھی دولت ها و حکومت ها به مردم است. بنابراین پاسخ سؤال «آیا پول از موضوعات مستحدثه است؟»، آری می باشد. در نتیجه حکمی که در روایات درباره دینار و درهم آمده را نمی توان در مورد اسکناس امروزی قبول کرد. پول یک موضوع مستحدثه است و حکم جدید می خواهد و باید فرآیند فقهی جدیدی را طی کند. از طرفی فقه پول و فقه بانک موضوعات بسیار حساسی هستند و اگر ما موضوع را به درستی نشناسیم، در صدور احکام به بیراهه خواهیم رفت.

تعريف ما و غربی ها از ربا منطبق بر هم نیست؛ در فقه ما ربا، کل زیادت است و حتی زیادی حکمی را ربا می دانیم اما کشورهای دیگر تا حدی از سود را معقول و قانونی می شمارند و اضافه بر آن را غیرقانونی و مشمول مجازات می دانند. اما مسلمانان برای تأمین مالی چه باید بکنند؟

قرض الحسن راهی است که اتفاق نظر فقها بر عدم حرمت آن است اما در این زمینه باید از فضای ذهنی آرمانی فاصله بگیریم چراکه فرض ایده آل یعنی تأمین شدن همه نیازهای جامعه و مردم از طریق قرض الحسن واقع بینانه نیست. غیر از طرق متفقاً علی حرمتها و متفقاً علی عدم حرمتها، طرقی نیز وجود دارند که فقها در مورد آن ها اختلاف نظر دارند که در طراحی مدل بانکی باید تکلیف این موارد مشخص شود. چنین مسائلی باید در دروس فقهی ما مورد بحث قرار گیرد. اگر این مبانی فقهی حداقل به صورت شهرت فتوایی در اختیار مجلس نباشد، نمی تواند قانون وضع کند و اگر وضع کند مشکلات اجرایی به وجود می آید.

سومین نشست تخصصی اقتصادنا^۴

موضوع: بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی و دلالت های آن برای اقتصاد مقاومتی

سخنران: سعید سیدحسینزاده یزدی، دانشجوی دکتری و پژوهشگر اقتصاد اسلامی

^۳ ۲۷ مهر ۹۶، سالن همایش های مدرسه علمیه سلیمانیه

^۴ آبان ۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه



خلاصه مباحث:

در تبیین ابعاد مختلف نظریه اقتصاد مقاومتی چهار رکن قرآن و سنت، رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی، تجارب بشری و اقتضایات زمانی و مکانی باید مورد توجه باشد. در روش حکومتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) راهبردهایی وجود دارد که می‌تواند برای ما دلالت‌هایی داشته باشد. هم‌چنین مباحثی در حوزه تجربه تمدن اسلامی وجود دارد که باید مورد بازخوانی و بررسی و ضمن تطبیق با موضوعات روز، مورد استفاده قرار گیرد. تهدیدهای اقتصادی جدید نیستند و در مبارزه میان حق و باطل همیشه مطرح بوده اند و تنها تفاوت این است که امروز ابزارهای جدیدی از سوی دشمنان در این زمینه به کار برده می‌شود.

در مراحل مختلف تاریخ اسلام، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان با تهدیدهای مختلف خارجی و داخلی، فraigir و غیرraigir، اقتصادی، نظامی و حتی روانی مواجه بوده اند. علت حضور در منطقه شعب ابی طالب، علت انتخاب شهر مدینه برای مهاجرت از مکه، تدبیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد فقر، بیکاری و بی مسکنی مسلمانان در ابتدای حضور در مدینه، هم‌چنین برنامه‌های ایشان برای رسیدن به خودکفایی اقتصادی و نظامی و شکستن قدرت تجاری انحصاری قریش، مقابله با تهدیدات روانی، اقتصادی و معیشتی در جنگ احزاب، شیوه برخورد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با منافقان و تبدیل کردن تهدیدات به فرصت‌ها، برخی از مسائلی هستند که می‌توان از آن‌ها دلالت‌هایی برای ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی استخراج کرد.

در یک نگاه کلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نوعی راهکار عملیاتی می‌باشند که مفاهیم مشابه آن در صدر اسلام و در چارچوب سیره نبوی وجود داشته است.

چهارمین نشست تخصصی اقتصادنا^۵

موضوع: دلالت های مثلی یا قیمتی بودن اموال در تعریف ماهیت پول
سخنران: حجت الاسلام والمسلمین محسن ملکی، استاد خارج فقه حوزه علمیه مشهد



خلاصه مباحث:

حوزه علمیه و جامعه روحانیت باید همیشه همراه و پشتیبان نظام اسلامی و جامعه باشند و ارزش ها و آموزه های اسلامی و انقلابی در وادی زندگی اجتماعی از جمله در موضوعات اقتصادی را تبیین نمایند. اقتصاد به روز و پاسخگو نیروی مقاوم در برابر زورگویی های دشمن است و بر این اساس حوزه علمیه باید تأمین کننده مبانی اقتصادی و اجتماعی حکومت اسلامی باشد و اقتصاد را با نگاه دنیای متصل به آخرت بررسی کند. حرکت مؤمن به سوی مقصود والا و زندگی جاوید، تجارت محور است و او در زندگی مادی و داد و ستد، فعل و جدی است.

علی رغم برخی اختلاف نظرها در مورد واژه مال، برداشت فقهی از مفهوم اصطلاحی آن تقریباً مشخص و یکسان است. مال هر آن چیزی است که ارزش مبادلاتی داشته باشد و نه مصرفی. مال به آن چیزی که صرفاً ارزش مصرفی داشته و ارزش مبادلاتی نداشته باشد اطلاق نمی شود.

تعریف مال در عرف فقهاء، مبادلی بودن مال، تعریف بیع، عدم اختصاص مال به اعیان و رایج بودن قیمت در همه مراحل مبادلات حاکی از اصالت قیمت در اقتصاد دارند.

اقتصاددان ها در مورد پول نظرات مختلفی دارند؛ برخی آن را مثلی، دیگران قیمتی می دانند و برخی قائلند که نه مثلی و نه قیمتی است. پول یک ماهیت اعتباری دارد. پول ارزش معاملاتی دارد، معیار و وسیله سنجش و محاسبه است.

^۵ ۲ آذر ۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

پنجمین نشست تخصصی اقتصادنا^۶

موضوع: مبانی و مبادی نظریه عدالت اقتصادی اسلام

سخنران: دکتر سید احسان خاندوزی، عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی



خلاصه مباحث:

عدلی که در این بحث مد نظر ماست عدل به مفهوم کلامی آن نیست؛ حتی عدل به معنای اخلاقی و فقهی آن نیز نیست. بلکه مراد در اینجا عدل اجتماعی است. علت این که هنوز دست ما در باب نظریه پرازی عدالت اجتماعی چندان پر نیست این است که در تمدن اسلامی نیازی به آن احساس نمی‌شده است. زیرا نظریه عدالت بیان‌کننده معیار بایدها و نبایدهاست و در جوامع اسلامی این نیاز توسط شریعت در حوزه‌های مختلف مناسبات اجتماعی پاسخ داده می‌شده است. اما آیا کماکان اینچنین است؟

امروزه به سبب نوع زندگی‌ها و پدیده‌ها، مفاهیم و مناسبات جدیدی که پس از عصر مدرن وارد زندگی بشر شده و بر جامعه حکمرانی می‌کند، خلاصه‌ها و شکاف‌های مختلفی ایجاد و مانع تحقق و پیاده سازی کامل و همه جانبه نظریه عدالت در جامعه شده است که از آن جمله می‌توان به آشفتگی‌ها و تناقضات در سیاستگذاری‌ها اشاره کرد.

در نظریه عدالت برخلاف ادعای برخی افراد، به دلایل مختلف عقلی و نقلی نمی‌توان خود را از آن چه شریعت بیان کرده بی نیاز دانست، اما هیچ گریز و تمسمکی در حوزه تشخیص ماهیت عدالت و معیارهای مبنای آن از سوی پژوهشگران مسلمان دیده نمی‌شود و آن چه از دین در این حوزه مطرح می‌شود محدود به گرایش فطری و ذاتی انسان به عدالت و اجرای آن است.

تا کنون تعابیر و تعاریف مختلفی از عدالت از سوی اندیشمندان مختلف مطرح شده است؛ برای مثال برخی آن را به آزادی‌های فردی و گروهی به سطح رفاه مرتبط دانسته‌اند. بسته به نگاه‌های جهت دهی شده به موضع عدالت می‌توان برداشت‌های متفاوتی از آن داشت، از طرفی با مراجعت به آیات و روایات نیز نمی‌توان به سادگی به تعریف مشخصی از عدالت دست پیدا کرد و می‌توان گفت عدالت بسته به مواضع، شرایط و مقتضیات مختلف، معنای متفاوتی به خود می‌گیرد. علاوه بر این عدالت زیرشاخه‌های فراوانی از جمله عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد.

^۶ آذر ۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

ششمین نشست تخصصی اقتصادنا^۷

موضوع: ثابت و متغیر در تفسیر اقتصادی قرآن کریم

سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید مهدی معلمی

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد جامعه المصطفی العالمیه



خلاصه مباحث:

ما برای روش شناسی تفسیر اقتصادی قرآن کریم نیازمند اصول تفسیر اقتصادی هستیم، البته این اصول نه از جنس عملیه که وظیفه مکلف را بیان می کنند بلکه باید از اصول عقلی و معرفتی باشند. یکی از مسائل مهم در تفسیر اقتصادی موضوع ثابت و متغیر در فقه است و اهمیت آن به حدی است که شهید مطهری اجتهاد را شناخت ثابت و متغیر دین می داند. فقها عموماً در هنگام ارائه مثال برای مفاهیم ثابت و متغیر، مفاهیم اقتصادی را به عنوان شاهد ذکر می کنند که می توان دلیل آن را دو نکته یا اصل در تاریخ فقه و اصول دانست که یکی اصل امضائی بودن معاملات و دیگری ارشادی بودن اوامر و نواہی در این حوزه است. دأب و سیره پژوهشگران اقتصاد اسلامی معاصر نیز نوعاً چنین است که به اتكاء عقلائی بودن معاملات، بسیاری از تأسیسات اقتصادی مدرن را مطابق با شرع می شمارند.

برخی ثابت و متغیر را به ذاتی و عرضی بازگشت داده و ذاتیات را مواردی دانسته اند که قابل انتقال به سایر فرهنگ هاست هم چون اصل عدم غش. این گروه هم چنین معتقدند که عرضیات در انتقال به فرهنگ های دیگر باید جامه خود را عوض کنند. تعبیر دوم در این زمینه بازگرداندن ثابت و متغیر به اصل و فرع با نگاه به مقاصد درجه یک و دو است. گروه سوم نیز ثابت و متغیر را به احکام گلوبال (جهانشمول) و لوکال (محلي) بازگشت داده اند؛ وقتی می بینیم احکامی میان اسلام، مسیحیت و یهودیت مشترکند، مشخص می شود که این احکام جهانشمول هستند و بالعکس.

در موضوع ثبات و تغییر، روشنفکران اصل را بر تغییر و جمودگرایان و ظاهریه اصل را بر ثبات می دانند، در دیدگاه تفصیل بر اساس نوع آموزه های اقتصادی گفت و گو می شود و نظر مختار نگاه به ثابت و متغیر از منظر منطق فازی است. برخلاف منطق ارسطوئی که منطق دو ارزشی صحیح و خطأ، صفر و صد یا منطق همه یا هیچ است، منطق فازی منطقی چندارزشی است که طیفی از حالات و پاسخ ها را برای پرسش واحد مورد ملاحظه قرار می دهد.

^۷ ۱۶ آذر ۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

هفتمین نشست تخصصی اقتصادنا^۸

موضوع: الگوی توزیع درآمد از منظر قرآن کریم با روش استنباط نظریه

سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید کاظم رجائی

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)



خلاصه مباحث:

بر اساس فقه فردی اگر شخص خمس و زکات خود را بپردازد و دستمزد کارگرانش را بدهد و سرقت و ظلمی نکرده باشد می‌تواند مالک ۹۹ درصد امکانات جامعه بشود. یعنی توازن در آن ملاک نیست. شاید تنها شهید صدر باشد که این نکته توازن و عدالت اجتماعی را از منظر فقه مطرح کرده است. ایشان یک روش جدید برای رسیدن به نظریه را مطرح کردند ولی ما در فقه متعارفمان بدان توجه نکردیم.

ایشان نظریه منشأیت کار در کسب درآمد و نظریه توازن را مطرح کرد، ولی ما آن را جلو نبردیم در حالی که با وجود کسب علم از فقه شیخ انصاری، می‌توان مانند شهید صدر اجتهاد و استنباط را به سمت روش کشف نظریه سوق داد. در عدالت توزیعی چهار عرصه «توزیع فرصت‌ها»، «توزيع منابع طبیعی» که تا حدی شهید صدر در اقتصادنا بدان پرداخته است، «سهم بری عوامل تولید» که فعالیت زیادی در آن انجام نشده و «توازن یا عدم تفاوت فاحش طبقاتی» را می‌توان از هم تشخیص داد.

نظر شهید صدر در باب منابع طبیعی این است که معیار اولیه مالکیت، فقط و فقط کار است. اگر شخصی کشتی را در اختیار صیاد بگذارد، نمی‌تواند در ماهی‌های صید شده یا سود حاصله مشارکت داشته باشد بلکه باید صرفاً اجاره کشتی خود را دریافت کند.

تفاوت و تفاضل بهره‌مندی اقتصادی افراد از دیدگاه قرآن پذیرفته شد. برخی تلاش بیشتری دارند. اما آیا تفاوت‌های فاحش هم پذیرفته شده است؟ شهید صدر معتقد به توازن در سطح زندگی هستند. یعنی اگر اسلام درست پیاده شود در درآمد و ثروت هم توازن ایجاد خواهد شد.

^۸ ۳۰ آذر ۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

هشتمین نشست تخصصی اقتصادنا^۹

موضوع: الگوی تأمین اجتماعی در اقتصاد مقاومتی

سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید رضا حسینی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم



خلاصه مباحث:

بخش عده ای از نارضایتی های عمومی را می توان معلوم ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی کشور دانست. متأسفانه وقتی در کشور ما صحبت از تأمین اجتماعی می شود، همه دولت را مسئول می دانند در حالی که هم اکنون موفق ترین کشورهای دنیا از لحاظ تأمین اجتماعی بدون دریافت حق بیمه این مأموریت را انجام می دهند.

سه راهبرد در حوزه تأمین اجتماعی وجود دارد؛ ۱) مشارکت کارگر، کارفرما و دولت، ۲) منابع مالیاتی و مدیریت دولتی و ۳) راهبرد امدادی که متأسفانه راهبرد دوم در کشور ما مغفول مانده است.

چه ضرورت و دلیلی وجود دارد که همه افراد اعم فقیر و غنی تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار بگیرند؟ تأمین اجتماعی اصولا برای نیازمندان است. در الگوی ارائه تأمین اجتماعی به ازای پرداخت حق بیمه، این تفکیک و تمایز میان فقیر و غنی دیده نمی شود؛ به خلاف الگوی تأمین اجتماعی بر اساس مالیات های دولت. در الگوی تأمین اجتماعی به ازای حق بیمه، تشکیلاتی شبهدولتی تأسیس می شود تا با حق بیمه ها سرمایه گذاری کرده و پس از یک دوره زمانی به آنان بازپرداخت کند و این آسیب هایی دارد، همانطور که تشکیلات اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی ما هم اکنون ورشکسته است. اما در الگوی تأمین اجتماعی از محل مالیات ها این معضل به وجود نخواهد آمد.

موضوع تأمین اجتماعی از منظر فقه جای بحث و بررسی فراوان دارد در حالی که متأسفانه تا کنون فعالیت علمی خاصی در این زمینه صورت نگرفته است. باید به سراغ الگوی مالیات برای تأمین اجتماعی برویم چراکه مصارف تأمین اجتماعی محل اصلی هزینه کردن مالیات ها و درآمدهای اسلامی است، در صورتی که هم اکنون مالیات ها صرف امور دیگری می شوند و برای مصارف تأمین اجتماعی که هدف اصلی است، ساز و کارهای تأمین مالی دیگری دیده شده است.

نهمین نشست تخصصی اقتصادنا^{۱۰}

موضوع: مدیریت و بهره برداری انفال در نظام اقتصادی اسلام

سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعید فراهانی فرد

عضو هیئت علمی اقتصاد و معاون پژوهشی دانشگاه قم



خلاصه مباحث:

انفال را می‌توان اموال و موابی دانست که به اشخاص داده نشده و در اختیار حکومت اسلامی است. این نکته را نیز حضرت امام در کتاب البيع به طور مبسوط بحث کرده‌اند که مالکیت امام به معنای مالکیت شخص امام نیست بلکه متعلق به منصب امام خواهد بود و نیز این را افزوده‌اند که از دیدگاه ایشان بحث ناظر به مالکیت نیست بلکه ولايت در تصرف است.

نظر مشهور در احیاء موات این است که کسی که زمین مواتی را احیا کند مال او می‌شود اما بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت الله خوئی، شهید صدر، محقق اصفهانی و ... بر آنند که خیر، مالک نمی‌شوند و صرفاً اولویت در بهره‌برداری پیدا می‌کنند. اخیراً هم در قانون منابع طبیعی کشور آمده‌اند و بحث انتقال مالکیت را حذف کرده و صرفاً اجازه بهره‌برداری به اشخاص می‌دهند.

الآن با تکنولوژی‌های روز و سرمایه‌هایی که در دست بخش خصوصی است ممکن است کسی بیاید و حجم بالایی از اراضی موات را احیا کند. آیا می‌توان از منظر عدالت اجتماعی پذیرفت که این فرد مالک این اراضی شود؟ لذا انقلت‌های جدی در مقابل قول مشهور در این موضوع است.

شهید صدر نظریه‌ای دارند که از روایت ابی سیار استفاده کرده‌اند و آن اینکه مالکیت زمین‌ها به طور کلی مال امام است و امام بهره‌برداری آنها را طبق مصالح عامه به شهروندان واگذار می‌کند. این نظر را حتی نسبت به اراضی اهل مدینه هم تسری می‌دهند و قائلند که پیامبر اکرم (ص) حق تصرف را به افراد داده‌اند.

دهمین نشست تخصصی اقتصادنا^{۱۱}

موضوع: نقش نظام وقف و نهادهای خیریه در اقتصاد مقاومتی

سخنران: دکتر مهدی طغیانی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان



خلاصه مباحث:

در گذشته به این دلیل که نیازهای مردم در طول سالیان متعدد تغییر قابل ملاحظه ای نداشت، ابزارها و قالب های اقتصادی دینی کاربرد همه جانبه و طلایی داشتند، اما امروز احساس می شود که برخی از این قالب ها کاربرد ندارند، موضوعیت آن ها از بین رفته یا حتی گاهی دست و پا گیرند، در حالی که باید با بهره گیری از تحقیق و پژوهش، ظرفیت های نهفته آن ها را کشف و با تغییرات زمانه هماهنگ کرد. قالب های اقتصادی دینی هم چون وقف، صدقه، نذر و حبس از ظرفیت بالایی برخوردار هستند که باید از آن ها استفاده کرد، ضمن این که باید با توجه به نیازهای روز و انگیزه های مردم، در مورد قالب های جدید نیز بحث و بررسی صورت گیرد.

مردمی شدن اقتصاد به عنوان یکی از بندهای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از دو بعد تشکیل شده است؛ خصوصی سازی و استفاده از ظرفیت های اقتصادی غیرانتفاعی و غیرسودجویانه که بعد دوم در کشور ما مغفول مانده است. درصد قابل توجهی از اقتصاد کشورهای مترقی جهان به بخش غیرانتفاعی و نوع دوستانه آن ها اختصاص دارد و این رقم گاهی به ۸ درصد می رسد، بنابراین با فعال کردن این بخش در اقتصاد کشور می توانیم بر فضای کسب و کار، سرمایه های اجتماعی، ایجاد عدالت اقتصادی، اشتغال، رفاه عمومی و تأمین کالاهای عمومی تاثیرگذار باشیم.

در گذشته بسیاری از خلاصه ای اقتصادی و اجتماعی از طریق انگیزه های غیرانتفاعی مردم و ابزارهایی چون وقف پر می شده تا جایی که بسیاری از تاریخ نویسان بر این مسئله تأکید دارند که رواج علم و دانش در برخی سرزمین های اسلامی ناشی از موقوفات گسترده در زمینه کتاب و کتابخانه بوده است. بر این اساس فعال کردن قالب های اقتصادی مورد توجه اسلام می تواند مسیری راهگشا در بهبود وضعیت اقتصادی جامعه باشد.

یازدهمین نشست تخصصی اقتصادنا^{۱۲}

موضوع: توسعه اقتصادی ارزش‌دار و پارادوکس رذائل خصوصی فوائد عمومی‌اند
سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد ابروانی
عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی



خلاصه مباحث:

اگر آموزه‌های ناب اسلامی به درستی تبیین شوند، جایگاه واقعی و نقش موثر آن‌ها مشخص و بسیاری از شباهات برطرف می‌شود. بی‌رغبتی و بی‌علاقگی به دنیا که در اسلام، قرآن و کلام ائمه (علیهم السلام) مطرح و به آن تأکید شده بدان معنا نیست که انسان هیچ‌جی نسبت به مال و ثروت نداشته باشد و اگر این گونه باشد، «لَنْ تَنَالُوا الِّبَرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحْبِبُونَ» و مفهومی چون ایشاره بی معنا و بی ارزش می‌شود. قرآن شدید بودن حب را نهی می‌کند و در واقع دنیای مزمن شده آن چیزی است که در نفس انسان قرار دارد و باید طبیعت، آفریده‌ها و نعمات و آیات الهی را دید و از آن‌ها بهره گرفت.

اسلام مانند سایر مکاتب اقتصادی معتقد است که هر انسانی باید به دنبال منفعت خود باشد و این اصل را محفوظ دارد، اما گستره منفعت طلبی را از منفعت جسمی، دنیوی و فردی فراتر و بزرگ‌تر دیده، منافع روحی، اخروی و اجتماعی را نیز لحاظ می‌کند و توجه به آخرت را در هم ابعاد زندگی از جمله مسائل اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد.

فرهنگ تأثیر بسزایی در اقتصاد جامعه دارد و اگر این روایت که «۹۰٪ جزء از ۱۰٪ جزء عبادت، طلب و کسب روزی حلال است» در جامعه اسلامی حاکم شود، بسیاری از مقاصد اقتصادی فرصت بروز پیدا نخواهد کرد.

باید کارکردهای اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی زهد، شکر، تقوا، قناعت و سایر مفاهیم ارزشمند دینی در حوزه‌ها و دانشگاه‌های ما مورد بررسی قرار گیرند؛ در این زمینه تحقیقات بسیار کمی انجام شده است و فعالیت بیشتر پژوهشگران مسلمان در این حوزه‌ها ضروری است.

زهد دارای دو بعد روحی و عملی است که وابسته و دلبسته نبودن به دنیا بعد روحی آن است. زهد در بعد روحی-روحانی به معنای عدم حب شدید به دنیا و وجود آرمان‌های بزرگ‌تر از دنیاست و این که اشد حب انسان به خدا و آرمان‌های اخروی و معنوی باشد. برخی فکر می‌کنند که زهد تنها به بعد روحی مربوط است دحالی که باید در مقام عمل نیز خود را نشان دهد.

^{۱۲} ۵ بهمن ۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

دوازدهمین نشست تخصصی اقتصادنا^{۱۳}

موضوع: وقف پول از منظر فقه

سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی کاظمی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



خلاصه مباحث:

یکی از جنبه های مهمی که می تواند به تحقق هر چه بهتر و سریع تر اقتصاد مقاومتی در جامعه ما بینجامد، استفاده از ظرفیت وقف است که بستر خوبی برای تجمیع منابع مالی فراهم می کند. وقف یکی از مسائل ظرفیت ساز برای اقتصاد است و در گذشته در کشورهای اسلامی بهای بیشتری به آن داده می شد و جامعه سنتی رویکرد بهتری نسبت به وقف داشت که به عنوان مثال می توان گفت که اکثر حوزه های علمیه از طریق وقف اداره می شده است. امروز تنها ۳۰ درصد ظرفیت ها و قابلیت های سازنده وقف در جامعه به کار گرفته می شود و ما باید بتوانیم اصول، آموزه ها و مبانی فقهی خود را با شرایط و تغییر و تحولات زمانه به روز کنیم و تطبیق دهیم تا در مرحله بعدی انتظار استفاده و بهره وری ۱۰۰ درصدی از آن ها را داشته باشیم.

ایجاد پشتونه های قوی و عظیم از طریق بهره گیری از ظرفیت وقف منوط به طراحی درست و دقیق ابزارهای لازم و مدیریت ریسک در این ابزارهای است و اگر معلوم شود وقف پول از منظر فقه شیعه بلاشکال است، بسیاری از مشکلات اقتصادی ما در حوزه های فرهنگی و امور عام المنفعه قابل حل است.

اگر فقهاء وقف درهم و دینار را جایز شمرده باشند، باز هم نمی توان حکم آن را به وقف پول تسری داده و وقف پول را هم جایز دانست. چراکه پول امروزین ماهیتی اعتباری دارد. افرادی که وقف پول را صحیح می دانند مبتنی بر تحقق شرایط وقف استدلال می کنند و معتقدند وقف پول همه شرایط وقف را داراست. ۲ گروه دیگر نیز در این رابطه وجود دارند که برخی با دیده تردید به وقف پول نگریسته و نظری نداده اند و برخی نیز برای آن تفصیل قائل شده اند.

^{۱۳} بهمن ۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

همایش گردهمایی شناسایی ظرفیت‌های پژوهشی و پژوهشگران اقتصاد اسلامی^{۱۴}

سخنران اول: حضرت آیت‌الله شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی



متأسفانه آنچه در جامعه ما از اقتصاد مطرح است اقتصاد غربی و با جهان‌بینی غربی است و امثال شهید صدر و شهید مطهری تا حدی توانسته‌اند خلاً اقتصاد اسلامی را پر کنند متنها در بدنه حوزه می‌بایست فضلاً و طلاق عزیز در این مسیر گام بردارند. این عیب است برای حوزه‌های علمیه که نتوانند در مسائل اقتصادی ورود داشته و جوابگو باشند.

در اسلام علم اقتصاد نداریم اما روش اقتصاد داریم. احکام و دستوراتی در باب معاملات بالمعنى العام تدوین شده است همچون کتاب بیع، کتاب دین و... .

زکات پول‌های رایج کنونی هم مانند زکات نقدین (درهم و دینار) زمان صدر اسلام، واجب است. چرا که فلسفه زکات رفع فقر از جامعه است و با وجود این همه فقیر در جامعه، اصل را برایت ذمہ از پرداخت زکات قراردادن در پول‌های رایج چنانچه فتوای بسیاری از مراجع کنونی است، قابل تأمل و اشکال است. شهید صدر در کتاب خود متذکر از فرمایش حضرت رضا علیه‌السلام اثبات کرد که اگر زکات طبق دستور اسلام پرداخت شود ابداً فقیری در جامعه باقی نخواهد ماند.

در مورد محاسبه مهریه، خمس یا در ادائی قرض و دین آیا مینا باید بر پول اسمی تومن باشد یا بر مالیت و ارزش واقعی آنها؟ اینها مسائلی است که حوزه باید پاسخ‌گو باشد.

اگر مدعی هستیم که دین اسلام جاودانه است حوزه‌های علمیه باید بتوانند مسائل مبتلا به روز جامعه را بویژه در مسائل اقتصادی و پولی به صورت اصولی حل کنند و زمان احتیاط دادن گذشته است.

سخنران دوم: دکتر علی‌اکبر ناجی، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

^{۱۴} پنج‌شنبه سوم اسفند ۱۳۹۶، سالن همایش‌های مدرسه علمیه سلیمانیه



موضوع: الزامات پژوهش در اقتصاد اسلامی

نایاب تلقی از اقتصاد اسلامی را در فقه الاقتصاد خلاصه کرد بلکه در سطوح دانشگاهی داخلی و خارجی، مباحث بسیار گسترده‌تری وجود دارد. می‌توان اقتصاد اسلامی را به چهار عرصه تقسیم‌بندی کرد؛ فقه الاقتصادی یا حقوق اقتصادی، مکتب اقتصادی اسلام، نظام اقتصادی اسلام و علم اقتصاد اسلامی. باید دانست که پژوهش در هر حوزه روش و مقتضیات و الزامات خاص خود را دارد.

فقه الاقتصاد یا حقوق اقتصادی که روش آن اجتهادی است و در سالیان گذشته در دل حوزه وجود داشته است و احکام معاملات و قراردادها در آن بحث می‌شده است فلذاً حوزه در قبال آن آمادگی کامل دارد.

مکتب اقتصادی اسلام که در واقع طرح کلی و هماهنگی است که خطوط اصلی ارزش‌های مورد نظر اسلام را در زمینه تولید، توزیع و مصرف با هدف حل مشکلات اقتصادی مطرح می‌کند. در اینجا تنها روش اجتهاد فردی نمی‌تواند آن طرح کلی را بدست دهد بلکه شهید صدر در کتاب گرانسنگ خود، اقتصادنا، با رجوع و استفاده از اجتهادات و آرای دیگر فقهاء، طرح کلی خود را در زمینه اقتصاد اسلامی بنیان نهادند. در این زمینه نیز دست حوزویان باز هست.

نظام اقتصادی اسلام که همان مکتب بعلاوه نهادهای لازم برای پیاده‌سازی ارزش‌های مکتبی می‌باشد. به عنوان مثال آیا نهاد بانک در نظام اقتصادی اسلام جایگاهی دارد؟ علت این همه مشکلات این است که این نهاد یک نهاد اسلامی نیست. بنابراین برای نهادسازی در اینجا حوزه کار سختی در پیش دارد و باید از دانش‌ها و مکاتب و سایر نظام‌ها کمک بگیرد.

و نهایتاً علم اقتصاد اسلامی که بررسی روابط میان متغیرهای اقتصادی در یک جامعه با رفتارهای اسلامی می‌پردازد که از این حیث به علم اقتصاد متعارف نزدیک می‌شود.

سخنران سوم: حجت‌الاسلام دکتر غلامرضا مصباحی مقدم
دانشیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و عضو مجتمع تشخیص مصلحت نظام



موضوع: فقه منابع مالی دولت اسلامی

کمیته فقهی بورس توانسته با استفاده از پیوند فقه و اقتصاد و رسیدن به یک زبان مشترک، قریب ۸۵ ابزار و صندوق مالی را طی ده سال طراحی کرده و به تصویب برساند؛ مواردی چون استاد خزانه اسلامی و اوراق رهنی مسکن که خالی از هرگونه مناقشه فقهی است.

در مورد زکات بر پول‌های اعتباری امروز باید گفت زکات بر مالی تعلق می‌گیرد که یک سال راکد مانده باشد و حال آنکه پول‌های امروزی که در بانک یا در دست مردم است همواره در گردش است و اصلاً یک سال راکد نمی‌ماند.

نمی‌توان پذیرفت زکات که یکی از ارکان پنج‌گانه دین اسلام است، امروزه تنها بر چهار قلم از آن نه قلم جاری گردد چرا که درهم و دیناری وجود ندارد و انعام ثلثه هم بدلیل سائمه نبودن از متعلقات زکات خارج می‌شوند بنابراین باید نظر محقق را پذیرفت که زکات را حقوق الاموال می‌داند که خود شامل زکات به معنای خاص امروزی، خمس، زکات فطره و سایر حقوق مالی می‌شود.

مباحث مربوط به فقه الاقتصاد را می‌توان به مباحثی نظیر فقه بخش عمومی یا فقه منابع مالی دولت اسلامی، فقه معاملات و فقه شرکات، فقه پول و بانک، فقه بازار سرمایه و فقه اقتصاد خانواده تقسیم‌بندی کرد که در هر مورد فقه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

در فقه منابع مالی دولت، واگذاری اموال دولتی (انفال) از هر نوعی به مردم در مقابل ما به‌ازایی می‌باشد که به آن خراج انفال یا طبق انفال گفته می‌شود.

در زمینه وضع مالیات حکومتی غیر از مالیات‌های معین شرعی توسط دولت، اصل بر عدم است مگر دلیلی محکم وجود داشته باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که منابع بالقوه خمس و زکات معادل منابع مالیات‌های عمومی دولت امروزی می‌باشد و برای اداره جامعه کفایت می‌کند.

گفت و گوی علمی اقتصادنا

گفتمان حقیقت شرعیه؛ ماهیت پول و حکم شرعی خلق پول^{۱۵}

سخنران: حجتالاسلام دکتر محمد بشیری عارف، مدرس حوزه علمیه تهران



خلاصه مباحث

هر زمان شارع امری را واجب یا حرام کرد باید برای جلوگیری از قبح عقاب بلابیان صفر تا صد موضوع و جنس و فصل آنرا تبیین کند. علمای ما بجای تعریف ماهیت پول به سراغ انواع آن می‌روند که مثلی یا قیمی است و آن را یک موضوع عرفی می‌دانند. حال آنکه پول یک حقیقت شرعیه دارد. در آیات مربوط به ربا قرآن می‌فرماید اصل اموال برای شماست که یکی از اموال پول است منتها پولی که نه ظلم کنید و نه مورد ظلم واقع شوید یعنی نه به صاحب پول و نه به قرضگیرنده هیچ کدام ظلمی نشود. مبتنی بر این جنس و فصل، می‌توان بایدها و نبایدهای پول را چنین تعریف کرد. پول واسطه‌ای بین المتعاقدين است که آنچنان اعتباری دارد که در عنصر زمان و مکان، همان مالیت حقیقی خارجی توافق شده را بدون ذرهای نقصان یا افزایش حفظ کند.

برای حل مشکل تغییر اعتبار در زمان و مکان، شارع نظریه نصاب را مطرح می‌کند نه یک پول کالایی خاص مثل طلا یا غیره. مثلاً در محاسبه زکات یا خمس یا دیه از نصاب استفاده می‌کند. بنابراین پول نه مثلی است و نه قیمی بلکه پول فقط واسطه‌ای است بین المتعاقدين که سیره عقلای عالم آنرا امضا می‌کند که اگر در قالب مثلی خودش را نشان داد، طبیعتاً باید به حکم عقل برخورد مثلی با آن کرد اگر از مثلی معدور بودید باید به حکم عقل قیمی داد و اگر نه مثلی و نه قیمی بود باید یک کالای سومی مینا قرار گیرد تا آنرا جبران کند. بنابراین خلق پول چون مختل کننده حفظ مالیت حقیقی توافق شده بین متعاقدين هست، شرعاً حرمت دارد.

^{۱۵} پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۶، مدرسه علمیه سلیمانیه

سیزدهمین نشست تخصصی اقتصادنا

موضوع: شناخت خلق پول بانکی با رویکرد ترازانمه‌ای^{۱۶}

سخنران: دکتر سیدمهدی حسینی دولت‌آبادی، مدیر کارگروه پولی و بانکی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی



خلاصه مباحث

چیزی که به عنوان پول مدرن در همه دنیا وجود دارد، در واقع ماهیتاً بدھی است. پول مدرن در حقیقت جزئی از دارایی‌های مالی است. پول در حقیقت برای یک نهاد دارایی است و برای نهادی دیگر بدھی محسوب می‌شود. پول دارایی کسی است که آن را در دست دارد و بدھی نهاد منتشرکننده آن است. در ترازانمه بانک‌ها دیده می‌شود که بانک، در فرآیند خلق پول، با پرداخت تسهیلات به مشتریان، برای خودش بدھی ایجاد می‌کند و از طرفی برای حفظ تعادل در ترازانمه، در طرف دارایی هم افزایش خواهد داشت.

در تمام دوره‌هایی که علمای ما با بانک و مسائل بانکی مواجه بوده‌اند، آن قدر با ربای قرضی که یک ربای آشکار است برخورد جدی و محکمی داشته‌اند که اصلاً به فرآیند خلق پول توجهی نداشته‌اند. ما تا سال ۱۳۶۲ نظام بانکی مشخصی نداشتیم، تا اینکه قانون نظام بانکداری بدون ربا نوشته و ابلاغ شد. در این قانون هم نکته‌ای که به آن بسیار توجه شد، بحث ربای قرضی بود و نه فرآیند خلق پول و مدیریت آن. امروز هم وقتی علمای ما از ربا سخن می‌گویند، منظورشان همین دیرکردها و ربای قرضی است و دیدگاهی در مورد خلق پول ندارند.

به نظر می‌رسد که به تدریج، بعد از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، باید به این موضوع توجه جدی داشته باشیم. اتفاقاً یکی از ریشه‌های اصلی مشکلات اقتصادی کشور ما همین بانک‌ها هستند. ما اکثر بانک‌ها را خصوصی کردیم، بدون اینکه نظارت درستی روی آن‌ها داشته باشیم. این در حالی است که در غرب، با وجود نظارت‌های جدی بر روی بانک‌ها، اقتصاددانان معتقدند که ریشه بحران‌های اقتصادی، بانک‌ها هستند.

^{۱۶} پنج شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه

چهاردهمین نشست تخصصی اقتصادنا

موضوع: ماهیت‌شناسی نظام بانکی در ایران^{۱۷}

سخنران: دکتر حسین صمصامی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی



خلاصه مباحث

اقتصاد متعارف بر اساس یکسری مبانی فکری و فلسفی معرفت‌شناسی شامل عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و طبیعت‌گرایی، مبانی هستی‌شناسی دئیسم و مبانی انسان‌شناسی شامل اومانیسم و لذت‌گرایی بنا نهاده شده است. این مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری و قواعد و بایدها و نبایدھای آنرا شکل داده است که این قواعد به نوبه خود نهادها و به دنبالش رفتارهای انسان در جامعه را می‌سازد. یکی از این نهادها، بانک است که مبتنی بر حداکثرسازی سود بنا نهاده شده است. بنابراین توجه به بانک بدون درنظرگرفتن ریشه‌ها و مبانی فکری و فلسفی آن غلطی رایج در دانشگاه‌های ماست.

شهید صدر در کتاب «بنک الاربوبی» که به درخواست وزارت اوقاف کویت نوشته شد، به تعمد این نام را برگزید و از استعمال بانک اسلامی پرهیز نمود، چرا که نهاد بانک را از نظام سرمایه‌داری اخذ کرده و قواعد اسلامی ضد ربوی را بر آن سوار نمود؛ به این صورت که تجهیز و تخصیص منابع بانکی را از طریق قرارداد و کالت و قراردادهای مضاربه عام شرعی کرد. متأسفانه عمر شهید صدر کفاف نداد تا نظریه «بنک در یک جامعه اسلامی» خویش را منقح و مدون سازد و با تأسف بیشتر کتاب شهید صدر مبنای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران قرار گرفت و این کتاب سرآغاز یک انحراف شد؛ یعنی بانکداری بدون ربا مصدقی شد از عدم توجه به مبانی فکری و فلسفی یک نهاد و استفاده از آن نهاد در راستای اسلامیزه کردن برخی از رفتارها و قواعد.

نرخ سود علی الحساب تضمینی، صوری شدن قراردادها و تبدیل عقود مشارکتی به عقود با نرخ سود ثابت تنها بخشی از دلایل اشتباه بودن بکارگیری نهاد بانک سرمایه‌داری در جامعه اسلامی است.

^{۱۷} پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه

پانزدهمین نشست تخصصی اقتصادنا

موضوع: ماهیت پول؛ اعتبار یا حقیقت^{۱۸}

سخنران: دکتر محمد اسماعیل توسلی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی



خلاصه مباحث

دو نظریه مهم درباره ماهیت پول وجود دارد؛ اول نظریه قدرت خرید شهید صدر، دوم نظریه ارزش اسمی. نظریه اول، ارزش و قدرت خرید را با جعل و اعتبار قانون توسط حاکمیت، همه هستی و اساس پول می‌داند. اما نظریه دوم معتقد است که مثیلت و ماهیت پول، در ارزش اسمی و ارقام مكتوب روی اسکناس است. اما اشکالاتی بر این دو نظریه وارد است. لذا ضروری است با بهره‌گیری از حقایق پولی، بانکی، عرفی و شرعی به نظریه پردازی جدیدی درباره ماهیت پول با عنوان «نظریه مال اعتباری» روی بیاوریم.

با تحلیل تاریخی پول می‌توان دریافت پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، هر یک دارای مرتبی از جعل و اعتبار است. تنها باید مفاد قرارداد را تحلیل کرد و دید اجتماع یا دولت، چگونه و چه مالی را در هر دوره به عنوان پول جعل و اعتبار کرده است؛ عین خارجی، دین واقعی، منفعت واقعی یا حق واقعی یا هر یک از اینها به صورت اعتباری؟

در شکل‌گیری پول‌های کنونی، با سه مرحله مواجهیم؛ اول جعل و اعتبار؛ مثلاً اینکه گفته شود ریال واحد پول ماست دوم مالیت و ارزش اولیه اعتباری؛ مثلاً اینکه در برابر هر ریال، مقدار معینی از طلا تعیین شود و سوم مالیت و ارزش ثانویه نسبی و طبیعی متغیر.

پول امروزی مخلوق جدیدی است که بدون ماهیت فیزیکی و با اعتبار و جعل قانون و پذیرش مردم به وجود می‌آید. ارزش آن پس از انتشار خارجی، به ظرفیت تولید ملی، اعتماد مردم، ثبات سیاسی و وفای حاکمیت به تعهدش در حفظ نسبی ارزش اولیه پول بر اساس معیار وابسته است.

^{۱۸} پنجشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه

شانزدهمین نشست تخصصی اقتصادنا

موضوع: ترتیبات مطلوب خلق پول^{۱۹}

سخنران: دکتر علی مرزوی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی



خلاصه مباحث

باید به دنبال نظام پولی‌ای باشیم که خلق پول درون‌زا را داشته باشد اما ایرادات نظام ذخیره جزئی یا نظام پولی متمرکز دولتی را نداشته و تا حد امکان نیاز به تنظیم‌گری پیچیده‌ای هم نداشته باشد. برای این کار ما خلق پول را از بانک‌ها می‌گیریم؛ چرا که ما در این مدل چیزی به نام بانک نداریم بلکه به جای آن، مؤسسات تأمین مالی را داریم. همچنین بانک مرکزی تبدیل می‌شود به تنظیم‌گر نظام تأمین مالی.

در واقع شکل کار چنین است که مردم تصمیم می‌گیرند که مازاد پوشان را سرمایه‌گذاری کنند و به سراغ مؤسسات تأمین مالی می‌روند تا ببینند چه فرصت‌های سرمایه‌گذاری پیش روی آن‌ها است؛ در این شرایط مؤسسات دنبال این هستند که طرح‌ها و فرصت‌های جذاب را بیاورند؛ چون می‌دانند هرچه فرصت‌های بهتری را جذب کنند، سودآوری شان بیش‌تر شده و در نتیجه در مقاطع بعدی، در جذب سرمایه‌های مردم موفق‌تر خواهند بود لذا طرح‌های سرمایه‌گذاری پربازده و مطمئن را به مردم پیشنهاد می‌کنند.

بنابراین خلق پول در این نظام، درون‌زا است؛ چون پول به سمت فرصت‌های سرمایه‌گذاری ممتاز می‌رود. از طرفی بالای ۹۰ درصد اطمینان وجود دارد که پول به هدف اصابت کرده است؛ نه اینکه افراد پول را به اسم یک پروژه بگیرند اما در جای دیگری صرف کنند. بعلاوه دولتها می‌توانند از همین طریق، برخی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی را پیگیری کنند؛ مثلاً هنگام عرضه گواهی سرمایه‌گذاری، شرط کنند که این گواهی‌ها در صورتی تبدیل به پول می‌شود که در زمینه مسکن اجتماعی سرمایه‌گذاری شود. در این صورت خلق پول به صورت عادلانه صورت می‌گیرد و دیگر بانک‌های خصوصی از رانت بهره‌مند نخواهند شد.

^{۱۹} پنج‌شنبه چهارم مردادماه ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه

درس گفتار اقتصادنا

موضوع: مفهوم‌شناسی دانش اقتصاد^{۲۰}

سخنران: دکتر محمد نعمتی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام



خلاصه مباحث

حدود ۱۵۰ سال قبل، یک اشتباه ترجمه‌ای در معادل یابی واژه "Political economy" اتفاق افتاد و عثمانی‌ها با التفات به معنای «صرفه‌جویی» که یکی از معانی مختلف واژه "economy" است، به واژه «قصد» و از آنجا به واژه «اقتصاد» رسیدند. به دلیل همین اشتباه است که ما دقیقاً نمی‌دانیم اقتصاد یعنی چه و موضوع واقعی آن چیست. حالا اگر بگوییم «اقتصاد اسلامی»، مسئله گنگ‌تر می‌شود.

اگر بخواهیم شناخت دقیق‌تری نسبت به این دانش پیدا کنیم، باید به نام اصلی آن یعنی اصطلاح Political "economy" دقت کنیم که در دوره‌های مختلف، نام‌های مختلفی داشته است: واژه‌هایی همچون حکمت عملی، تدبیر مُدْنَ، «فقه» و غیره. اصطلاح «اقتصاد سیاسی» اصلاً نمی‌تواند معنای واقعی و حاصل از ترجمه صحیح نام این دانش – یعنی تدبیر مملکت و شیوه حکمرانی – را برساند.

تعریف مختار ما از اقتصاد عبارت است از «ارائه سازوکارهای بهره‌مندی جامعه از خیرات و موهب». بهره‌مندی از خیرات و موهب، معادل تعریف و تحدید نهاد مالکیت و معادل تعریف و تحدید بسته‌های حقوقی است.

می‌توان نیازهای انسانی را به چهار دسته تقسیم کرد: انواع کالاها و خدمات خصوصی؛ مثل خوراک، پوشاسک، مسکن و ...، انواع کالاها و خدمات عمومی؛ مثل امنیت، آموزش، سلامت، قضاؤت و ...، انواع ثروت‌های عمومی و منابع طبیعی (انفال و مباحثات عامه)؛ مثل جنگل، نفت، گاز، زمین، آب و... و پول.

نزاع انسان‌ها در جوامع مختلف، بر سر همین چهار دسته است. در مورد این چهار دسته، تولید، توزیع و مصرف مطرح است. حال اگر تولید، توزیع و مصرف این چهار دسته، عادلانه باشد، معضلات اجتماعی نیز وجود نخواهد داشت. عادلانه بودن تولید، توزیع و مصرف در این حیطه‌های چهارگانه هم چیزی است که دانش حکمرانی یعنی اقتصاد آن را تعیین می‌کند.

^{۲۰} دوشنبه اول مردادماه ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه

هفدهمین نشست تخصصی اقتصادنا

موضوع: فلسفه علوم اجتماعی و نسبت آن با فقه اقتصادی^{۲۱}

سخنران: دکتر محمد نعمتی، عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

خلاصه مباحث

فلسفه اقتصاد یک معرفت درجه دو است. در کتب فلسفه علم، معرفت را به باور صادق موجّه تعریف کرده و در بسیاری نحله‌ها، واقع‌نمایی را شرط آن دانسته‌اند. حال در مورد اقتصاد اگر بخواهیم مثال بزنیم می‌گوییم بر اساس نظریه فریدمن، تورم در همه‌جا و در همه زمان‌ها یک پدیده پولی است؛ یعنی افزایش حجم پول، عامل ایجاد تورم است. در مقابل این جریان، مثلاً پست‌کینزین‌ها تورم را معلول بخش حقیقی می‌دانند. حالا کدام نظریه نسبت به تورم واقع‌نمایی می‌کند و یک باور صادق موجّه است؟ در فلسفه علم، به دنبال ملکی هستند برای تشخیص باور صادق از باور کاذب؛ چون تشخیص اشتباه، باعث درمان اشتباه می‌شود. فیلسوفان علم همان دعواهایی را که در علوم تجربی دارند، به علوم اجتماعی هم می‌آورند؛ اینجاست که اثبات‌گرایی، ابطال‌گرایی، نظریه به مثابه ساختار لاتوش، پارادایم‌های کوهن، فایرابند و ... مطرح می‌شود. آن‌ها معتقدند که معرفت و شناخت، خالی از ارزش‌ها است.

از دهه هفتاد به بعد، کتاب‌های زیادی در باب فلسفه اخلاق نوشته شده است و مباحث ارزشی، دیگر از خرافات ایدئولوژیک شمرده نمی‌شود. در زمینه فلسفه اخلاق در غرب، حداقل سه دیدگاه کلان وجود دارد؛ نتیجه‌گرایان، تکلیف‌گرایان و فضیلت‌گرایان. لذا می‌بینیم اختلاف گسترده‌ای بین این مبانی اخلاقی وجود دارد و دانش اقتصاد متعارف هم اتفاقاً مبتنی بر یکی از این اخلاق‌ها به نام اخلاق سودگرا یا اصالت فایده است که اخلاقی نتیجه‌گرایی است. حال این سؤال پیش می‌اید که نسبت سودگرایی با اخلاق اسلامی چیست؟ و اگر به این نتیجه رسیدیم که سودگرایی نمی‌تواند یک مبنای اخلاقی اسلامی باشد، جایگزینی آن با مکتب اخلاقی اسلام چه دانش اقتصاد متفاوتی را به وجود خواهد آورد؟

^{۲۱} یک‌شنبه هفتم مردادماه ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه

هجدهمین نشست تخصصی اقتصادنا

موضوع: بررسی وضعیت اقتصاد ایران؛ خودتحریمی (بحران نقدینگی) یا تحریم‌های دلاری (سلطه جهانی دلار)^{۲۲}

سخنران: دکتر رسول بخشی دستجردی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان



خلاصه مباحث

ریشه تمامی فسادهای اقتصادی در نقدینگی است. نقدینگی در کشور ما در این چهل سال بیش از ۳۰ هزار برابر شده است. از این میزان تنها حدود چهار درصد آنرا بانک مرکزی به صورت سکه و اسکناس چاپ می‌کند و بقیه مربوط به خلق پول شبکه بانکی است که اینها خودش باعث کاهش ارزش پول و افزایش تورم و بیکاری و سایر مسائل اقتصادی است. حال سؤال اینجاست آیا خلق پول مصدق اکل مال به باطل و کاهش ارزش پول مردم نیست؟ مهم‌تر از بهره و ربای بانکی، خلق پول بانکی است که به نوعی بدتر از سرقت از اموال مردم است.

در کشور آمریکا که مهد دلار است میزان رشد نقدینگی ۱۳ برابر بوده است و اقتصاد متعارف توسط بانکداران و طرفداران سیاست‌های پولی و اقتصاددانان نیوکیزینی احاطه شده است و آنها راهکار افزایش تولید اقتصاد را افزایش نقدینگی و خلق پول می‌دانند. نباید تصور کرد که بانک یک نهاده واسطه وجود بین سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران است بلکه بانک از هیچ سپرده خلق می‌کند و آنرا وام می‌دهد.

از سوی دیگر آمریکا برای اینکه بتواند کسری بودجه خود را مدیریت کند باید بجای صادرات از دیگر کشورها واردات بیش‌تر داشته باشد و در ازای آن پول بدون پشتوانه خود یعنی دلار را به آنها بفروشد. از سال ۱۹۷۱ یعنی برهم زدن رابطه تعادلی بین دلار و طلا توسط آمریکا، واردات آمریکا از دنیا بیش از صادرات آمریکا به دنیا بوده است. در صورتی که در علم اقتصاد صادرات موتور رشد اقتصادی تلقی می‌شود، این موارد نشان می‌دهد که آمریکا، دقیقاً خلاف آموزه‌های اقتصادی متعارف، از طریق دلار، دارد منابع ملت‌های دنیا را با یک پول کاغذی بدون پشتوانه خریداری می‌کند.

^{۲۲} شنبه سوم شهریور ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه

درس گفتار اقتصادنا

موضوع: بحران نظام پولی و بانکی و وضعیت آینده اقتصاد ایران^{۲۳}

سخنران: دکتر رسول بخشی دستجردی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان

خلاصه مباحث:

از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۷ ، یعنی در طول ۴۵ سال، تولید ناخالص داخلی در کشور ما حدود ۲.۳ برابر شده است، اما در همین فاصله زمانی نقدینگی بیش از ۳۰ هزار برابر شده. یعنی به طور متوسط هرسال در کشور ما نقدینگی حدود ۲۶ درصد رشد نموده است، حال آنکه تولید حدود ۲ درصد در هر سال رشد نموده است!

این اعداد نشان می دهد که علم بانکداری و چگونگی تنظیم و هدایت سیاست پولی در ایران بومی نشده است. (سخت افزار بانک به عنوان یک نهاد کاملاً غربی به ایران وارد شده است، اما مدیریت نرم افزاری آن و درواقع دانش پولی وارد نشده است).

به طور متوسط هر روز بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان به نقدینگی در کشور اضافه می شود! برای اینکه این افزایش هر روزه در میزان نقدینگی مشکل ساز نباشد، باید به همین میزان در طرف تولید و مبادله حقیقی کالاهای خدمات، یعنی ۱۰۰۰ میلیارد تومان، ارزش ایجاد شود، اما هرگز این اتفاق نمی افتد. بنابراین باید قیمتها متناسب با رشد روزانه نقدینگی افزایش یابند. ولی مشکل اینجاست که این اتفاق هم نیفتاده است. یعنی در طول ۵ سال گذشته حدود ۳۶۰ درصد نقدینگی کشور رشد نموده است، اما تولید حدود ۱۰ درصد رشد داشته است، با این وجود تورم تنها حدود ۴۰ درصد بوده است (بدون احتساب وقایع سه ماهه اخیر). یعنی در طول این چند سال به جای اینکه تورم کنترل شود، درواقع ذخیره شده است و این ذخیره در حال بزرگتر شدن است.

سؤال اینجاست که چه عواملی باعث شده است تا چنین وضعیتی برای اقتصاد ایران پیش بیاید؟

جواب این است که باید مکانیسم خلق پول بانکی به عنوان منشاً تورم در کشور به رسمیت شناخته و مدیریت شود.

^{۲۳} یکشنبه چهارم شهریورماه ۱۳۹۷، حسینیه هنر، مشهد مقدس

گفت و گوی علمی اقتصادنا

موضوع: امکان سنجی اجرای مکانیسم پول طلا در تمدن اسلامی^{۲۴}

ارائه دهنده: مهندس محمد غلامی، مسئول کارگروه معیشت و اقتصاد مؤسسه مطالعات تمدنی (متا) اصفهان

خلاصه مباحث

پول طلا بخاطر ویژگی‌های ممتازی که دارد می‌تواند جایگزین پول اعتباری و هژمونی دلار در تمدن غربی و جهانی شود و ما را از مشکلات عدیده‌ای نظیر سلطه دلار و فشار تحریم‌ها و نیز آثار جانبی منفی پول اعتباری برهاند. در واقع طلا تحریم‌پذیر نیست و تفاوت قیمت طلا در کشورها هیچ وقت بیشتر از یک درصد نشده است. ما همواره به دنبال طراحی مکانیسمی بوده‌ایم که خلق پول متناسب با تولید باشد که بتوانیم تعادل را ایجاد کنیم و این از طریق حباب سکه (تفاوت میان ارزش واقعی طلای موجود در سکه با ارزش بازاری خود سکه) خودش را نشان می‌دهد.

آنچه که باید تبدیل به طلا شود پول است و نه شبه پول که ماهیت بدھی دارد. یعنی حدود ۱۰ درصد نقدینگی کل کشور یعنی ۱۵۰ هزار میلیارد تومان که با محاسبه قیمت روز طلا حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ تن لازم است برای تبدیل ریال به طلا. طبق محاسبات، دولت دارای ۳۰۰۰ تن طلاست و از این جهت کمبودی ندارد.

در مکانیسم اجرایی ما بایست سه کارکرد پول ریالی یعنی وسیله مبادله، واحد سنجش و ذخیره ارزش را به طلا منتقل کنیم و بصورت آزمایشی از فضای محدودی همچون اصفهان که دارای بستر فرهنگی متناسب است استفاده می‌کنیم. ابتدا پس اندازهای شهر را از ریال به طلا تبدیل کنیم. گام دوم فرض بر اساس طلا انجام شود. گام سوم انتقال دیجیتالی طلاست. گام چهارم پرداخت وجوهات شرعی به طلا و گام پنجم پرداخت حقوق و پاداش افراد به طلا می‌باشد. گام ششم قیمت‌گذاری کالاها با طلاست. گام هفتم مبادلات خارجی با طلا و گام هشتم همه‌پرسی برای انتخاب پول از بین طلا و ریال است.

^{۲۴} سه‌شنبه ششم شهریور ماه ۱۳۹۷، مدرسه علمیه سلیمانیه